

بقیه از صفحه ۱ جنگ...

پرواضح است از نقطه نظر کمونیستها شی که در دهه ۱۹۷۰ میلادی شویسم گرفتار نیامده اند، این جنگ تا ما دلانه از نیایی شده و محکوم است. به بیان دیگر از نظر کمونیستها دور زیم جمهوری اسلامی و جمهوری عراق بنا به ما هیت خود ساستی ارتجاعی را در این جنگ تعقیب نموده و هیچ یک از این دور زیم قابل حمایت و پشتیبانی نیستند این مبتذل خواهد بود اگر گفته شود که دور زیم عراق "تجاهم" کرده و دور زیم ایران به "دفاع" پرداخته و بنا بر این حکومت ایران قابل حمایت می باشد، تنها ریزبونیستها که از ساست سوسیال شویستی پیروی می کنند می توانند چنین استدلالی نمایند. بعلاوه این نیز مبتذل خواهد بود اگر گفته شود که دور زیم عراق "تجاهم" کرده و دور زیم ایران علیرغم ما هیت ارتجاعی خود در حالت "تداقی" بوده و بنا بر این باید در جنگ علیه "عراق متجاوز" شرکت کرد، تنها کسانی که به دفاع طلایی در غلطی و مانع از وقوع انقلاب را فراموش کرده اند می توانند چنین استدلال کنند. کمونیستها نقطه آغاز تحلیل خود را ما هیت جنگ و طغیانی که این جنگ را به پیش میبرند قرار میدهند و ساستها و شعارهای خود را بر اساس تحلیل طغیانی از جنگ معین میسازند. ما می گوئیم در این جنگی که ارتجاعی است، در این جنگی که بورژوازی نوده ها را به کوبیدن سوب تبدیل می کند، در این جنگی که یکی از اهداف اساسی آن سرکوب انقلاب و تحکیم مونیست بورژوازی است، آری در چنین جنگی بهیچوجه نباید شرکت کرد و کارگران دو کشور نباید سوب یکدیگر تیراندازی کنند. این جنگ بهیچوجه نفع کارگران و زحمتکشان دو کشور نیست، این جنگ توسط سرمایه داران دو کشور برپا گشته و امیرالیه تنها بدان دامن زده و جنگی است که هدف دفاع از میهن بورژوازی را تعقیب می نماید.

وظایف مارکسیست - لنینیستها در این جنگ چیست؟

روشن است که وظیفه اساسی ما در قبال این جنگ تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی یعنی انقلاب می باشد. اما واضح است که این شعار انقلابی یک شعار استراتژیک می باشد و ما نباید تبدیل نمی تواند "بی درنگ" تحقق یابد، زیرا ما مع ما مواجه با موقعیت انقلابی نمی باشد. بنا بر این آنا ریشیم خواهد بود اگر بگوئیم که تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ انقلابی علیه حکومت بلافاصله امکان پذیر است. اما پورتونیستی خواهد بود اگر در افشای بیرحمانه ما هیت جنگ، عوا مفریبی های بورژوازی و ریزبونیستها نکوشیم، پورتونیستی خواهد بود اگر در جهت تدارک انقلاب فعالانه تر از

گذشته اقدام کنیم و پورتونیستی خواهد بود اگر در راه گسترش جنبش و انقلاب پیش نرویم. لنین میگفت:

"ما فقط به کارگران توصیه میکردیم همه جا پورتونیستها را با پس گردنی از خود دور کنند و با تمام قوا از نظرات و دیگر سادات اقدامات انقلابی نوده های یشتیبا نسبی نموده، آنرا حدت و وسعت دهند... دعوت به حمله "بی درنگ" امریست بی معنای و ننگ است کسی خود را سوسیال دمکرات بنا مدو بکارگران توصیه نکند که بیونند خود را با پورتونیستها بکشد و با تمام قوا جنبش انقلابی در حال شروع و تظاهرات را استحکام بخشد و به آن عمق و وسعت دهند و بر حدت آن بیفزایند. انقلاب هیچگاه بطور کامل حاضر و آماده از آسمان نازل نمی شود و در آغاز زبیدایش تک جوشهای انقلابی هرگز هیچکس میداند که آیا این تک جوشها بیک انقلاب "حقیقی" و "شمار" معیار" خواهد شد یا نه و آیا چو نت منجر خواهد شد."

(پورتونیسم و ورشکستگی استراتژی سوبال دوم) امروز اگر در کردستان فرمان مونیست انقلابی فراهم است و می بایست به جنگ انقلابی علیه حکومت ستمگر که کم داد مه داد، اما در اکثر نقاط ایران این موقعیت وجود ندارد، نوده های بسیاری در نوه م نیست به این ریزیم قرار دارند و نیروهای کمونیستی و انقلابی دارای قدرت و نفوذ نوده ای لازم نمی باشند. بنا بر این در این نقاط ساست کمونیستها ادا میسازند تدارک برای انقلاب است. کمونیستها باید بکوشند از افشای این جنگ کثیف و غیر عادلانه خرم ختم مردم را نسبت به ریزیم که مبرافروخته - سرکوب و دامن جنبش انقلابی نوده ها را کسترده تر سازند.

در کوه همدان دور زیم که می تواند با تکیه به تبلیغات سوسیستی خود نوده های متزلزل و نا آگاه را به سمت خود و این جنگ جلب نماید، اما بلاک جنگ بحران ساسی و اقتصادی موجود را کسرتن خواهد داد. این جنگ با خرابیهای بی شماری که وجود می آورد و با احتیاجات زیادی که در زمینه خرید سلاح و تجهیزات نظامی بسیار می آورد، سیستم موجود را به سمت وابستگی هرچه بیشتر به امپریالیسم سوب می دهد. بعلاوه گرانسی سکاری، کمبود ما محتاج اولیه مانند نان و

رفقا! اعضا و هواداران!

هما نظور که در گذشته نیز تا کید کردیم، رفقا با بدکوشی کنید مقالات و مطالبی را که در نشریه بیکار با علامت به ستاره در انتهای آنها مشخص میشود، بشکری و بخت نما یند.

بیروزا شد!

نفت و ایجاد صفهای طولی، فلاکت و بدبختی نوده ها، آواره گی مردم مناسط جنگ زده، سرکوب با زهم بیشتر جنبش و انقلابیون و تشدید ستم و استعمار، همه و همه جز نا رضایتی و اعتراضی عمومی نوده ها نسبت به حکومت حاصل دیگری نخواهد داشت. نوده های آگاه بیشتر از پیش به تعارض مستقیم تر علیه ریزیم کشیده میشوند و نوده های نا آگاه بیشتر از پیش به عوا مفریبی ها و دورغ - بردار یهای ریزیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پی میبرند و بیش از پیش از آن کینه میسوزند. کمونیستها با بدرا این اوضاع بحران با تمام قوا فعالیت خود را حدت بخشند تا آن بایند از تشدید بحران جامعه و پسا مدهای ناگزیر از این جنگ تا ما دلانه بهره گیرند، اما بقول لنین:

"نه برای تحقیر بحران و دفاع از میهن بلکه به عکس برای ننگان نوده ها و برای تسریع سقوط سلطه سرمایه." (هما جا)

ضرورت تشدید فعالیت انقلابیون کمونیست زمانی دو چندان بر حتم تر میشود که به فعالیتهای باندهای ارتجاعی بخسبا رول سلطنت طلبان توجه لازم کنیم. این باندهای مزدور امپریالیسم می کوشند با عوا فب جنگ و نا رضایتی نوده ها نفع کسرتن نفوذ خود در میان نوده ها بهره گیرند. کمونیستها با بردن تبلیغات آگاه گران و انقلابی خود در میان کارگران و سبز حمتکشان باید سدمحکمی در برابر تبلیغات ارتجاعی و اقدامات نوظنه گران به این باندهای سرسپرده ایجاد نماید و چیهه انقلاب را هر چه بیشتر مستحکم سازند.

آری هما نظور که مینیستیم وظایف کمونیستها در قبال تدارک انقلاب نوده ها عظیم است: افشای سوب کاران اسلحه و سوبهای کلان که به غارت میگردند و افشای سوب کار و تبلیغات عوا مفریبانه آن، افشای این جنگ ارتجاعی و تسلیع این اسده در میان کارگران که نباید سوبی برادران خود اسلحه بکشند، افشای سوبال شویستیهای خائن، پیرو و روحیه نوده ها به حول ایده انقلاب علیه ریزیم حاکم، یشتیبا نی از مبارزات انقلابی جاری در جامعه و کوشش در کسرتن آن تشدید فعالیت سازماندهی در میان کارگران و سبز نوده ها... آری اینها سست کار تدارکاتی منظم، مصرا نه و مداوم. بدون این اقدامات اساسی انقلاب به پیش نخواهد رفت. امروز زمینه ساعدی جهت فعالیت کمونیستها در میان طبقه و نوده ها فراهم است، کمونیستها باید با تمام قوا و بر اساس فعالیتی نقشه مندا از این شرایط استفاده کنند. آنان با بدنا رضایتی ها و اعتراضات ناشی از این جنگ ارتجاعی، اسکوی پرشی برای دامنه بخشیدن به جنبش انقلابی سازنده و شعله های ختم مردم به فلاکت کشیده را به لیب انقلاب فردا تبدیل نمایند.

توطئه های امپریالیسم امریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

جنبش کارگری



درمورد گزارش نویسی از تأثیر جنگ در میان کارگران

رفقا! در شرایطی که جنگ ایران و عراق، مسئله محوری واحد روز است و بنا بر این افشای ماهیت ارتجاعی این جنگ، اصلی ترین وظیفه روز ما کمونیستهای راستین است، تهیه اخبار و گزارش از تأثیرات جنگ در اقشار و طبقات مختلف جامعه و بویژه و در درجه اول در طبقه کارگر، از محنت ناشی بر خوردار است، از این رو رفقا با صدور مسندهای زیر مطالب خود را برای ما ارسال دارند

- ۱- اخبار مربوط به تأثیر جنگ در میان کارگران در صنایع و تحولاتی که در رابطه با اوضاع کار و زندگی آنان بوجود آمده است (با لافتن ساعت کار افزایش تولید یا تعطیل کارخانه، سکار - بدن کارگران ...)
- ۲- گزارش از موضع سیاسی کارگران نسبت به این جنگ و علل آن
- ۳- برخورد کارگران با انقلاب و کمونیستها در رابطه با جنگ
- ۴- برخورد کارگران با ارتش، ساوا و سازمان های ضد انقلاب
- ۵- میزان تسلط و محک در میان کارگران
- ۶- میزان تسلط و میزان آمادگی پذیرش این تسلط از سوی آنها
- ۷- میزان افراش و یا کاهش سوئم کارگران نسبت به هیت حاکم
- ۸- میزان کنش و یا فاسی ها، تشدید فشار - اقتصاد، احیای ... در میان کارگران
- ۹- برخورد کارگران با مردم مناطق جنگ زده که کوچ کرده اند
- ۱۰- خطر کارگران در مورد مخموم و سکل - تحریر - با مدح

رفقا! مینوا تندهمین شوال را در رابطه با اقشار و طبقات دیگر جامعه نیز با هم کوئید، رفقا! در ارسال اخبار و گزارشات، هر چه فعالیت ترو سرعتر بکوشید، موفق بودن اخبار، داخلی یا خارجی بودن آنها را مشخص کنید،
سروز با شما!

اخراج کارگران شرکت سادلمی

شرکت سادلمی (sadelmi) که یک شرکت استانی است و برای توانس کار میکند، روز پنجشنبه ۵۹/۷/۱۷ تمام کارگران خود را اخراج کرده و دلیل آن را ترک کارکنان استانی آن اعلام نموده است.

شرکت ملی نفت ایران
تاریخ: ...
موضوع: ...
شماره: ...

شرکت ملی نفت ایران
تاریخ: ...
موضوع: ...
شماره: ...

مرخصی اضطراری، نامحدود و بدون حقوق برای کارگران شرکت نفت!

شرکت ملی نفت مناطق نفتخیز، اخیراً بخشنامه‌ای صادر کرده است که بر طبق آن، به علت تعطیلی شرکت، کارگران میبایست تقاضای مرخصی اضطراری بنمایند که نتیجتاً بعد از اتمام مرخصی استحقاقیشان، بدون حقوق خواهند ماند و علاوه بر آنکه این مرخصی نامحدود بوده و با خواست شرکت بعد سرکار با زحمت گذشت، ایست نموده بگری از اعمال خدا کارگری دولت جمهوری اسلامی که اینقدر سنگ مستحقان را به سینه میزند! در شرایطی که فشار کمربند و خاموشی بر انداخته بکس از هر زمان دیگر زندگی کارگران و خانواده‌شان را تهدید میکند، دولت حامی سرمایه داران نیز ایستگن با کارگران رفتار میکند!

کارگران بیکار رشت همچنان بدنبال کار!

کارگران بیکار رشت وجود کمینا سندها را توسط ساوا و ساواگران دستگیر شده است. اجسوا برای ادا مسامزه در حقشان یک سورا در دست کرده اند. آنها هر چند یکسندها و جبار شنیده‌ها جلوی اداره نیروی انسانی جمع شده و در سارده حقوقشان و نوظنه‌های استانی و دولتی سر غلبه کارگران بیکار صحبت میکنند. هفته گذشته از جلوی اداره نیروی انسانی با استانی‌داری راهپیمایی کردند و خواستهای ۱ - کسار استخدامی ۲ - در صورت نبودن کار حق بیمه بیکاری ۳ - ... را مطرح کردند.

هیت امنای امامزاده هاشم از خون کارگران صورت خود را سرخ می‌کند

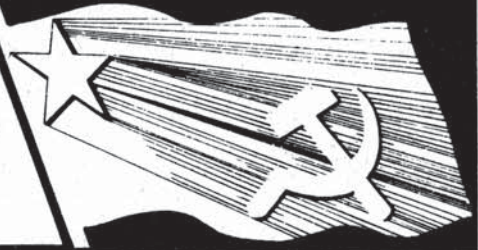
جندی بیش عده‌ای از کارگرانی که روی ساختمان های جدید برای مسافران، در امامزاده هاشم کار میکنند اخراج شدند. علت اخراج آنها این بود که بعد از مدتی که در آنجا کار میکردند، خواهان دفتر جدید میبودند. آنها ابتدا با هیئت امنای امامزاده صحبت میکنند که بعد از شنیدن جواب منفی به استانی‌داری و وزارت کار میروند که بعد از دوندگی زیاد شرکت بیعه تقاضای لیست کارگران را از هیئت امنای می‌کند، ولی هیئت امنای امامزاده با این بهانه که "اکثر امروز کارگران را بیمه کنیم فردا خواستند دیگری خواهند داشت" لیست را نداد و بعد از مدتی برای فیصله دادن قضیه تعداد ۵۲ کارگر را اخراج کرد. بله، هیئت امنای امامزاده که از تقاضای هم اسلامی است و بول نذرونیار مردم را با لامکشد از ترس کم شدن مفت خویش حق کارگران را کسده نمیدهد، هیچ آنها را از کار بیکار هم میکند.

کارخانه راف:

دو هفته قبل مدیر عامل کارخانه یکی از کارگران را اخراج میکند در اثر اعتراضی و بیکاری کارگران و شورایشان به سرکار بازمی کرد. همچنین کارگران در جواب درخواست اداره کار را ریمتطور فرستادن نماینده‌ای از کارخانه برای هیئت حل اختلاف، گفتند که تنهایی نماینده ما شورای ما است و همکاری داریم با شما و صحبت کنید.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم

سراغاز

مبدأ آنست که کمونیست‌ها وظیفه رهبری مبارزه طبقه کارگر تا رسیدن به یک جامعه طبقاتی (کمونیستی) را دارند. برای انجام این رسالت کمونیست‌ها بکسری وظایف عملی (پراتیک) و تئوریک با بد انجام دهند.

انگلس یکی از معلمین کبیر طبقه کارگر "مبارزه طبقاتی را با سه بعد اقتصاد - سیاسی و تئوریک تعریف میکند" (نقل از جه با بد کرد لنین) کمونیست‌ها برای پیشبرد این مبارزه طبقاتی می بایست وظایف عملی تبلیغ و ترویج و سازماندهی را به انجام برسانند. تا بداند است همانطور که ابعدا ده کاسه مبارزه طبقاتی، ارتباط جدایی ناپذیری با یکدیگر دارند و سرنگد یکدیگر تبدیل میشوند. وظایف عملی کمونیست‌ها (تبلیغ، ترویج، سازماندهی) اینزای یکدیگر مرتبطند.

پس تبلیغ بعنوان یک ابزار در مبارزه طبقاتی بیولنا را عمل میکند. تعریف تبلیغ را از زبان لنین با زکومی کنیم: "تبلیغ در بین کارگران عبارتست از اینکه سوسال دموکرات‌ها در تمام مظاهر خود - بخودی مبارزه طبقه کارگر و در تمام مظاهر تمدن جامعه کارگران بخاطر روزگار، مزد، کار، شرایط کار و غیره و غیره با سرمایه داران پیدا میکنند، شرکت ورزند، و طبقه ما از این لحاظ عبارتست از آنکه فعالیت خود با مسائل عملی و روزمره زندگی کارگر، کمک به کارگران برای اینکه ذهنشان در این مسائل روشن شود... سوسال دموکرات‌ها ضمن اینکه بین کارگران برزمینه خواستهای فوری، اقتصادی تبلیغ می کنند، در عین حال تبلیغ برزمینه احتیاجات سیاسی فوری، بدیختی‌ها و خواستهای طبقه کارگر، تبلیغ برضد تعدیات پلیسی که در هر اجتماع و در هر یک از تمدنات کارگران با سرمایه داران بروز میکند... خواه تبلیغات اقتصادی و خواه تبلیغات سیاسی هر دو بیطوریکسان برای

سطح تصور طبقاتی بیولنا را ضروری می - با سند. چه سلسله اختصادی و چه تبلیغات سیاسی بطوریکسان برای رهبری مبارزه طبقاتی کارگرو سوسال دموکرات‌ها (لنین، وولانف سوسال دموکرات‌های روس) لنین در جای دیگر بیورت تبلیغ را چنین برمی شمرد:

"فعالیت‌های تبلیغی بین توده می بایست از وسیع ترین کیفیت، از عمق اقتصادی و سیاسی، برخوردار بوده در باره کلیه مسائل ممکن، ونست به جمیع مظاهر جنبش کارگری - همه اشکال کونا کونی که بخود میگردند، صورت پذیرد. از این تبلیغات می بایست

برای جلب هر چه بیشتر کارگران به صفوف حزب سوسال دموکراتیک انقلابی استفاده کرده، مبارزه سیاسی بهر نوعی که ممکن است را تشویق نموده (تا کیدازماست) و سازمان داده آن را از شکل خود بخودی خارج ساخته و به مبارزه یک حزب سیاسی واحد تبدیل سازیم، از اینرو، تبلیغ میبایستی بمنظور مبارزه (تا کیدازماست) جهت گسترش هر چه وسیعتر تعرض سیاسی و اشکال مختلف ترم مبارزه سیاسی بکار برده شود. (لنین، گزارش فقهراشی در سوسال دموکراتی روسیه، صفحه ۴۸)

پس مسئله روشن است، کمونیست‌ها چون معتقدند که انقلاب کار توده‌هاست و استقرار سوسال لیسیم محصول خلق مبارزات انقلابی کارگران، بدین ترتیب برای تحقق آرمانشان، به توده‌ها متکی میشوند، به میان آنها میروند تا مبارزات طبقاتی را راهبری کنند و آن نیروی عظیم و لایزال توده‌ها را در جهت تحقق انقلاب و سوسال لیسیم بکار گیرند. تا زمانیکه سوسال لیسیم علمی با مبارزات توده‌ها درهم نیاخته است فقط سباهی روی کاغذ است. اما زمانیکه به میان توده‌های وسیع رفت، به نیروی مادی بدل می - شود و نظام کهنه طبقاتی را متلاشی میسازد. سپس وظایف عملی کمونیست‌ها در جهت آنست که تئوری طبقه در صحنه ۱۵

- بکار بر سرستند.
 - برای سازماندهی ارسال خبر و گزارش... در تشکیلات تمامی ارگانها (هسته‌ها و حوزة‌ها) با یکدیگر فرماندهان خودشان را مسئول تهیه خبر و گزارش و... برای "پیکار" نمایند تا از این طریق هیئت تحریریه مستقیمترین ارتباط را با توده‌های سازمانی و هواداران و فعالیت آنها در میان توده‌ها داشته باشد.
 - وظایف مسئولین گزارشگر بیکار در جمع‌ها:
 - ۱ - جمع آوری کلیه اخبار و گزارشات روزمره که از طریق رفقا بدستشان میرسد و ارسال آن به "پیکار"
 - ۲ - تدوین اخبار و گزارشات و جمع‌بندی تحارب مبارزاتی و رهنمودهای درباره موضوع خبر و گزارش و ارسال آن به پیکار
 - ۳ - جمع آوری کلیه نامه‌ها و انتقادات و پیشنهادات و اردیه بیکار و ارسال آن برای پیکار
 - رفقای هیئت تحریریه، هر چند بیکار با این رفقا جلسات هماهنگی گذاشته، رهنمودهای در مورد نحوه فعالیتشان ارائه خواهد داد و پیشنهادات و انتقادات متقابل را بررسی کرده و از این طریق ارتباط نزدیکی با خبرنگاران غیر حرفه‌ای برقرار نمایند.
- پیروز باشید!

سخنی با گزارشگران پیکار

رفقا! "پیکار" تلاش دارد در جهت خطی گذشته سازگی دنبال کرده است، یعنی ایفای نقش تبلیغی، هدایت کننده و ارتقا دهنده سازمان - دهی مبارزات توده‌ها و... ارتباط وسیعی را با بخشهای کونا کون سازمان، هواداران و کارگران و زحمتمندان بوجود آورد و اینان نقش را ایفا کنند که بتوانند "مجموعه پیکار را سرنگاه بگیرند" و آنرا در بین توده‌ها افشا سازد. این کار بیحدون همکاری فعال و موثر کلید رفقا و هواداران غیر ممکن است!

"پیکار" علاوه بر خبرنگاران حرفه‌ای که بوجود آورده است با بد خبرنگاران غیر حرفه‌ای استعداد هزاران نفر داشته با استقبال لنین "یک ارگان وقتی زنده خواهد بود و قابلیت زندگی کردن را خواهد داشت که برای پنج دیر روز - تا سه نهار سیاسی که مرتباً به قلمزدن می پردازند با نصدای پنج هزار همکار بوجود آمده که هیچوجه نویسنده نباشد!" در رابطه با این امر هر یک از رفقا با بدهمواره ما ننندیک خبرنگاران از واقع و اخباری که در دوز و برشان میگذرد، خبر و گزارش (ونه فقط خبر و گزارش، بلکه مطالب افشاگرانه هنری، ترویجی و...) تهیه کنند و آنرا برای

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

خاطرات یکتا سرباز (۸)

زحمتکشان و پیکارجویان
سراسر جهان باید دیگر برادرنند

۱۵ اردیبهشت

ساعت ۸ و چهار دقیقه صبح

کتابی که خواندم - چگونه فولاد آبدیده شد، تا شیر عمیقی در روحه من بخاکداده است. از آنجا که نیکلای آستروفسکی، داستان زندگی خود را در این کتاب بیان کرده است در قلمم احترام عمیقی نسبت به او احساس می‌کنم. شکر فزین مخلوق هنردردوره انقلاب، مردانی همتدکاه و در کتاب آورده است. کتابی که زندگی خود را تصویر می‌کند. او می‌گوید: برای من، سرودی بیش از نادی پیکار با خاطر سعادت زبانی نوع بشر نیست.

همه چیز در نیکلای (گورجاکین) آتش تلاش و مبارزه و پیکار است، و این آتش بهمان اندازه که شب تاریکتر می‌گردد و دور می‌گردد و سوراخه آتش دهنش از خود می‌گشاید، شعله و رنر و سوزان تر می‌گردد.

پسری که در سالن بزرگ کودکی از سر - کدشت دلورا نه "کارسانلدی"، بهرمان کتاب "خرمکی" الهام می‌گیرد و سعی می‌کند که مانند او قهرمانان زندگی کند. پسری که در سالن کالی در سوره نظام بورسوی بدین می‌تازد، سختی زخمی می‌گردد و سیراز آن دچار بیماری شدید حصبه می‌شود. او هر بار بر نظر زحمتکشی تا پذیرایی به پیکار بر می‌خیزد و دوباره در تیرین و پرخطرترین جبهه‌ها می‌رود. جوانی که پس از آن سبب شدن سون فقراتش، سببانی خود را از دست می‌دهد و با فلج شدن دست و پایش، ناچار به دیکنه کردن مطالبش می‌پردازد و دوباره پیکار را با کسوفش با کلام آتشین ادامه می‌دهد. ساط و خوش سینی

۵۰ کیلوگرم، ۱۵ تومن و پنجاه کیلوگرم ۱۵ تومن و پنجاه کیلوگرم ۴۵ تومن و ... بفروش می‌برد. روستا - های این شهرها نیز در رفتار و محاصره سر می‌برند و نیز وجود آوارگان شهرهای بمباران شده و کمبود کالاهای و گران‌ترین بیش از حد کالا، قدرت خرید ناچیز مردم، شرایط زیستی طاقت فرسائی را بر مردم روستای کردستان قهرمان تحمیل می‌کند اینها نمونه‌ای از نتیجه "عدل اسلامی" رژیم جمهوری اسلامی است که سزور سرنیزه و ۳- و توب و تانک بر زحمتکشان کردستان تحمیل می‌شود ولی خلق قهرمان کرد علی‌رغم شرایط طاقت فرسائی زندگی و در زیرتپا محو حشمانه رژیم، حماسه‌ها آفریده یا بیداری می‌کنند



با چشم باز
در افق خونین
کردستان

خسکی با سدر او را سرتا رسا زد. این ساد - و سروروی را با مبارزان دیگر، با همه مرد روی زمین که پیکار می‌کنند و به پیش میتا - بدینوند می‌دهد. او این چنین می‌گوید: آه - کاش من آنچرا آنها دارم. می‌دانم: سلامتی، امکان حرکت در این جهان سبکران - او، من بخوسر - سندی و تا سرحد جنون، زندگی می‌گردم. او معنای زندگی را در مبارزه میداند و جان سعیده خویش را در این راه می‌بخشد.

آفتاب روشنی بختی که از درون این اثر انقلابی می‌تابد، بر مبارزان سرخشان خلسه بزرگ کرده که در پیش چشم جاری است، بر نومی - افکنده آن را واضح تر در نظر می‌آورد. آری - زحمتکشان و پیکارجویان سراسر جهان باید دیگر برادرنند. دلشان یکی است و عشقشان یکی: رها کنی بشریت از ظلم و جور.

۱۵ اردیبهشت

نات است. امروز هم حرکت نکردیم و ساعتان ما نماند همیشه گذشت چه ساد عمر می‌گذرد. دیشب با زلفی، یک بحث طولانی داشتم بعد از مدتی به نقاط مشترکی رسیدیم. او عقیده دارد که مذهب عامل خوشبختی بشر است و اسلام تنها ایدئولوژی است که میتواند بشر را به جایی دلدخواست برساند. اما ما باید دیگر افکار مشترکی نیز داریم که در بحث توانستیم به آن دست یابیم بحث ما منطما شروع شد و با بنظر پیش رفت. ابتدا دوطبقه‌ای که همیشه در تافتا دستند و در تمام جوامع وجود داشته‌اند، بقول او: ظالم و مظلوم مشخص کردیم. آنکه در جایی معرمانه‌داری این دوطبقه مهم را که آشتی تا پذیرند تا شکی نمودیم و مشاهده کردیم که این دوطبقه در حال



مبارزه با یکدیگر هستند. به توضیح مبارزه طبقاتی رسیدیم. اما پیش از آن ما لکبت ابزار تولید مورد بحث قرار گرفت و اینکه تمام طبقات در رابطه با جایگاه انسان در مناسبات تولید مشخص می‌شود. بعد از این مقدمات که بر سر آن توافق کردیم، به این نتیجه رسیدیم که برای مبارزه، رگران و زحمتکشان با سرمایه‌داران یک ایدئولوژی و دستگاه رهبری کننده مستحکم لازم است. در اینجا دو نقطه نظر دیدیم: ما دو این مسئله مطرح می‌شود که آیا مذهب می‌تواند این نقش را بازی کند یا نه؟ من گویشم تا بحث را خاتمه دهم، چرا که معتقدم چنین بحثی در زمان حاضر کمک به ما نخواهد کرد. همینقدر خوب است که ما بر سرمایه‌داری در روری زمین با یکدیگر توافق داریم. اتفاق نظر بر سر مسائل آسانی گویمان تا بعد!

امروز دندان درد عجبی داشتم که حوصله خواندن را از من می‌گرفت. از سوی دیگر دلم سخت هوای دوستانم، برادرانم و خانواده‌ام را کرده است. امیدوارم هر چه زودتر این ما موریت لعنتی خاتمه یابد.

۱۶ اردیبهشت

امروز صبح دستور حرکت رسید. ساعت ۸/۵ صبح با تمام تجهیزات به خط شدیم تا معاون لشکر از ما باز دید کند. او در سخنرانی کوتاه خود گفت که در با نه جنگ است و مدت اقامت ما در آنجا معلوم نیست.

پس از سخنرانی، با تمام وسایل - به فرودگاه رفتیم. در میدان غوغائی بسیار بود. هلیکوپترها در رفت و آمد بودند. پس از یک ساعت ۴ هلیکوپتر فرود آمدند و بار خود را خالی کردند. هنوز در هلیکوپترها جا بجا شده بودیم که یک خمپاره به وسط میدان افتاد. هلیکوپترها با سرعت روشن شدند و به پرواز درآمدند. بر فراز کوه‌های زیبای کردستان پرواز می‌کردیم. کوهسارانی که با کوهی و صفای خلق کرد را دارند و استحکامشان سرخستی و استواری مبارزان کرد را تداعی می‌کند. در سقز، کنار دکان فرود آمدیم. با رها را خالی کردیم و هلیکوپترها، با ردیگر به پرواز درآمدند. در اطراف ما حجب و جوش زیبایی چشم می‌خورد. به پادگان وارد شدیم و در آنجا با نگاه جا گرفتیم. بعد از مستقر شدن، خبرها را شنیدیم: سقز آرام است. با نه خیلی شلوغ است و هلیکوپتر بعلت تیراندازی شدید قاربه فرود آمدن نیست. تپه‌های اطراف پادگان با نه در دست پیشمرگه - هاست و پادگان در محاصره است. با چترجات آب و غذا به پادگان می‌رسانند. بعد از ظهر هوا بیامنی آمد و چند چتر بزرگ با خوارها رو مهمات به پادگان انداخت. در پادگان و فرودگاه همه چیز در حرکت است. انتظار و فطراب بر همه جا سیه افکنده است. (ادامه دارد)

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

پایان تحصن کارگران شهرداری و نتایج آن (مسجد سلیمان)

"مبارزه استنادار جمهوری اسلامی با امریکا و عراق چگونه است؟"

معادن و ما سهاه عباس سراوان در اختیار استناداری قرار داده بوسیله کمیته بهره برداری از معادن آنرا میگردانند. مدت یکسال است که این معدن مشغول کار است و هر ماه مبلغی را بعنوان حق بیمه و مالیات از حقوق کارگران کسر کرده اندولی هنوز از دفترچه بیمه خبری نیست. کارگران مدتها پیش شورا تشکیل دادند تا بتوانند برای حقوق خود از جمله دفترچه بیمه و حق اولاد و مسکن و... مبارزه کنند. آنها چند بار به استناداری رفتند ولی هر بار بیعت نشناختن ما همت فدکارگری استنادار فریب و عده و عده های او را خورده بر سر کار زمینگشند. تا اینکه در شهریور ماه استنادار معدن را بیک نفر بونانی بنام "مارکویولو" واگذار میکنند. با آمدن این خارجی کارگران روز مزد و پیمان می شوند و در نتیجه به تنهایی خبری از دفترچه بیمه کارگران اعتراض میکنند و میگویند لا اقل پول یکسال بیمه و مالیات ما را پس بدهید. ولی استناداری و کمیته بهره برداری آنرا بالا کشیده بودند. بنا بر این کارگران دست به اعتصاب زدند و تا الان هم مشغول اعتصابند.

کارگران از این موضوع چند چیز را می آموزند: اول اینکه برای کارگر فرق نمیکند کارفرمایش ایرانی باشد یا خارجی، دولت باشد یا یک نفر سرما بدار، هر چه با دشمن کارگران است، همانطور که کارگران هم دشمن سرما بداران و دولت حامی آنها هستند و برای دولت هم فرق نمیکند که کارگران بوسیله چه کسی استعمار میشوند. حال میتوان بخوبی قضاوت کرد که آیا این دولت و استنادار هستند که علیه آمریکا مبارزه کنند و کارگران ضداقلابند یا اینکه برعکس؟

نا گفته نماند که در این میان حزب خاشن بوده که همیشه با اسم کارگر بر ضد کارگر مبارزه می کند در روزنامه اش تمام کارهای استنادار را تا شید کرده و اطلاعات حرفی از مبارزات برحق کارگران نمیزند و بالا کشیدن پولها بوسیله استناداری و کمیته بهره برداری را برده بوشی میکند.



زیر خلاصه نمود:

۱- هیات نما بندگی برای ادامه مبارزه کارگران برنا مه مشخصی نداشت و تقریباً بطور خود بخودی و بدستال حوادث حرکت میکرد. این هیات نتوانست از انکال و نا کتیکهای مبارزاتی استفاده کند که در نتیجه منجر به یکنواخت شدن شکل مبارزه و سر خوردگی کارگران گردید.

۲- هیات نما بندگی نتوانست با تسلط همه جا نبه بکارگران نظم آهمن بدهد و تا نگه به توده ها و با برنا مه ای از پیش تدوین شده آنها را وسیعاً مبارزه گشاده و هدایت کند. زاینسرو هیات نمایندگی تبدیل به یک هیات روغنی گردید از توده گردید که هر چه زمان میگذشت فاصله آنرا کارگران را دوزیا دتر میشد. این عدم تسلط و بیگانگی با توده ها را میتوان در شکل تجمع کارگران در محل تحصن دید.

کارگران در محوطه نسبتاً بزرگی از باغ شهرداری جمع بودند ولی هر چند نفر از آنها در گوشه ای با هم حرف میزدند و کمتر کسی توجه به سخنرانان میکرد. خلاصه سوعی پراکندگی و عدم شکل در میان کارگران حاکم بود که یکی از دلایل بی وفایتی دم فزون کارگران نسبت به تحصن و دلسر شدن آنها در همین مسئله باید جستجو کرد.

۳- عدم افشاء قاطع و همه جا نبه هیات حاکمه غذا و رگرو سیر عدم افشای سیاستهای سازشکارانه برخی تکسین ها و سرکار کارگران هوادار فداشیان (اکثریت) هیات نما بندگی دقیقاً اطلاع داشت که در میان تکسینها تعدادی عناصر سازشکار وجود دارند که مرتب در حال سمپاشی و توطئه - جنی دزین کارگران میباشند.

این هیات همچنین میدانست که یکی از این عناصر سازشکار، بعد از ظهرها کارگران قسمت "میدستگاه" را جمع کرده و در میان آنها تبلیغ میکند که: "ما در حال مبارزه ضد امیریا لیستی هستیم، تحصن خدمت به امیریا لیسم است و...". با اینهمه بیعت نزلات خود با این مسئله بر خورد قاطع نکرده و حتی گاه گاهی تسلیم سیاستهای سازشکارانه آنها میشد.

۴- سیاست عقب نشینی فرا گونه بعضی از نما بندگان و رها کردن کارگران بحال خود. بعضی از نما بندگان در هفته آخر تحصن بجای عقب نشینی تا کتیک و حفظ تماس خود با کارگران و دادن رهنمود برای ادامه مبارزه شان بیک عقب نشینی استراتژیک دست زدند و بطور کلی صحنه مبارزه را برای نا خت و تا ز هواداران (اکثریت) خالی گذاشتند. که نتیجه آن منجر به شکست تحصن کارگران گردید.

بدستال حمله پانداران سرما به به تحصن کارگران شهرداری مسجد سلیمان در روزهای اول شهریور ماه و دستگیری چندتن از نما بندگان آنها و نیز بیعت طولانی شدن تحصن و سمپاشی روبرو نیست ها در میان کارگران و همچنین ضعف نما بندگان در رهبری و هدایت تحصن، هر روز از تعداد متحصنین کاسته میشد، تا جاییکه در روزهای آخر تعداد کارگران که در تحصن شرکت میکردند از صد نفر کمتر بود (کارگران تحصن را با حدود ۵۰۰ - ۴۵۰ نفر شروع کرده بودند) و این زمینه مناسبی بود برای سرکار کارگران و تکسین های سازشکار (هوادار رس. ج. فاکثریت) تا مبارزه کارگران را به انحراف و سازش بکشاند. سرانجام کارگران در تاریخ چهارشنبه ۱۲ شهریور ماه در حالیکه کمتر از ۵۰ نفر بودند طی مذاکراتی با مقامات شهرداری به تحصن خود پایان دادند، بدون آنکه بنوا سنده خواستهای اصلی و اساسی خود که بازگشت به کارور رسمی شدن بود دست یابند. آنها فقط توانستند ۱۸ روز حقوق (مدتی که تا قبل از تحصن کار کرده بودند و شهرداری حتی حاضر به پرداخت آن نبود) و نیز مالی ۴۵ روز بعنوان سابقه دریافت نمایند.

جمع بندی حرکت کارگران

تاریخ مبارزاتی کارگران در سراسر جهان و بویژه در کشورمان نشان داده است که هیچ حرکت مبارزاتی بدون داشتن تشکیلاتی منضبط و آهمن و بدون برنامه ای دقیق و روشن که با در نظر گرفتن روحیه، سطح آگاهی و سایر شرایط کارگران مشخص شده باشد به پیروزی نخواهد رسید. و این دو عامل (برنامه و تشکیلات) آن ابزار لازمی بودند که کارگران شهرداری از آنها محروم بودند.

کارگران مبارز شهرداری که در طول یکسال گذشته دست به مبارزات ارزنده ای زدند و عناصر آگاه و انقلابی نسبتاً زیادی در میان آنان بود نتوانستند از حرکت های گذشته خود درس گرفته و تشکیلات خود (شورا و...) را پی ریزی کنند. این کارگران در همین ماه گذشته بعد از طی یک پروسه چند ماهه یک هیات نما بندگی از بخشهای مختلف انتخاب نمودند. این هیات نما بندگی با توجه به ترکیب در مجموع مبارز و انقلابی نتوانست با افشاء مواضع سازشکاران ما همت ارتجاعی رژیم کم و انکاء به نیروی کارگران و ارتقای سطح آگاهی آنها اتان را بسنج و متشکل نماید.

هیات نما بندگی با سیاستهای گاه "چی" و گاه راست بطور خود بخودی و بدستال کارگران و نودر پیش و در کنارت آنها لنگان لنگان حرکت میکرد. ضعفهای این هیات را میتوان بصورت

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

اشارات پیچیده پیرامون: ظهور و سقوط تاریخی حزب بعث

بدنبال انتشار دو مقاله، یکی درباره واقع اقتصاد عراق (بیکار ۷۵) و دیگری درباره عملکردهای فاشیستی رژیم بعث عراق (بیکار ۷۶) در این شماره نگاه تاریخی را برپا می‌کنیم، با پوشش از اینکه صفحات محدود نشریه ما اجازه پرداختن تفصیلی به این موضوع را نمیدهد و ناگزیر مطلب را با اختصاری که چسبیده به اجابت آن لطمه میزند، می‌آوریم و به رفا توصیه می‌کنیم که برای غنی‌تر کردن دانش سیاسی خود تحولات نیم قرن اخیر در عراق و رفا را مورد مطالعه قرار دهد، زیرا با عنقا دما سرنوشت جنس دموکراتیک و ضد امپریالیستی و نیز جنبش کمونیستی در میهن ما با آنچه بویژه در کشورهای دیگر منطقه میگذرد، رابطه‌ای تنگنا دارد.

ویژگی فکرمونیستی اندیشه بعث که ابتدا فقط رنگ انتقاد از تجربه سوسیالیسم در اتحاد شوروی (زمان استالین) را داشت و تحت تاثیر نوشته فکرمونیستی آندره زید (با زکشت از شوروی) بود، در مسیر انحرافی و راست خود منجر به این شد که حزب بعث عمیقاً بر ضد منافع واقعی طبقه کارگر و زکشتگران عرب و در خدمت بورژوازی و امپریالیست‌ها درآید. (۲)

"حزب بعث عربی" رسماً در سال ۱۹۴۷ تشکیل شد و در سال ۱۹۵۲ پس از وحدتی که بین این حزب و حزب دیگری با همین ماهیت بنا به نام "حزب سوسیالیست عربی" به رهبری "اکرم حورانی" وجود آمد، مدتها "حزب بعث عربی سوسیالیستی"

نامیده شد. این اسم‌دهان برکن، اسمی بسیار بی‌معناست چرا که این با ندوتونه‌گر، نه بعث به معنی "رستاخیز" ملت عرب، بلکه بمعنی سرکوب آن است. همچنین در خدمت ملت عرب که تحت سلطه امپریالیست‌ها است نمیشد، و با لاجرم سوسیالیستی هم نیست بلکه بورژوازی میباید.

ضعف تاریخی جنبش کارگری و کمونیستی که ناشی از شرایط اقتصاد عراق است و بر مبنای طبقه عربی و سونایی و ابتدائی بودن عنصر آگاه است کسرتدکی وسیع اقتار خرده بورژوازی، تفرقه و پراکندگی شدید در جامعه عربی که ناشی از عقب ماندگی مناسبات اجتماعی است اختلافات و زدو خورد های قبیلگی را بطور بارزی در درون خود حفظ کرده است، و دخالت‌های بی حساب

←

(۲) - تا بیان ذکر است که در ایران نیز یک جریان انحرافی و راست‌تحت تا شیر اندیشه‌های همین کتاب در درون حزب توده در سال ۱۳۲۵ به بعد بوجود آمد. خلیل ملکی و جلال احمد و ... از حزب توده انشعاب کردند. آل احمد کتسبا ب آندره زید را سرچمه کرد. زید پس از سفری به شوروی سفری به بازگشت از کشور شوروی و نیز از سوسیالیسم شوروی را نوشت. این گزارش راست به اندرترا سیونال سوسیالیست که کرایسکی

کلدا ما پروپولسون انگلیسی در آن قرار دارند پیوند می‌خورد. و بعداً به حمایت از اصطلاح سوسیالیسم نوع دو بچ در چکسلواکی می‌نجامد اصغراج سید جواد و آل احمد و دیگر نویسندگان ایرانی که با آنان همفکر هستند، اندیشه آندره زید و بعد دو بچ رو بیو نیست را "سوسیالیسم انسانی" اصطلاح کردند. گویا اگر سوسیالیسم بر اساس ماهیت اصیل خویش، بورژوازی را زیر ضربات خود قرار دهد "غیر انسانی" میشود! اینک اینگونه نویسندگان نظیر آندره زید تا نشان سوفر در دوره شاه به فروش میرسد آیا علت "محبوبیت" جلال آل احمد و برخی آثار او در دوره جمهوری اسلامی ناشی از همین ضدیت با سوسیالیسم و همین نقطه مشترک راست نیست؟

روشنفکری - نیمه سیاسی (که ما از برنا مه دقیق کارنا ن اطلاع نداریم) تشکیل میدهند و در سال ۴۱ اولین اعلامیه خود را که حاوی انتقادانی به حاکم وقت سوریه (دست‌نشانده فرانسه) بود منتشر می‌نمایند. علق در دوران دانشجویی در فرانسه، با برخی افکار سوسیالیستی آشنا شده بود و از طرف دیگر به سونالیسم بورژوازی مبتنی بر نظریات فلاسفه آلمان دهه ۱۹۳۰ دلستکی داشت. او میگوید:

"ما از فلسفه آلمان چنین آموختیم که چیزی زرفتر از بیسما مدهای سونی وروا بیست اقتصاد کرداننده حرکات تاریخی و تکامل اجتماعی است و این بود که جهان بیسی ما سونالیستی ما را تعیین کرد. (۱)

او "سونا لیم" را یک واقعیت جاودانه میبندارد و شعار معروف حزب بعث را که میگوید: "یک ملت عربی دارای رسالتی جاودانی است" مطرح میکند.

اندیشه "بعث" تمیل یک اندیشه انتقادی است. در این اندیشه بریده‌هایی از ما سونالیسم مکالیستی یا او ما سونالیسم سونالیسم افراطی (که به حد سونالیسم می‌رسد) و ننگه‌بازها ناشی از اندیشه‌های سوسیالیستی خرده بورژوازی و ایده‌آلیستی در هم آمیخته و ملغمه‌ای تا همگون و سیال آفریده است. این اندیشه انتقادی عجیب که زاده شرایط اجتماعی آن روزها معیه سوریه و کشورهای مشابه عربی و موضع روشنفکران طبقه متوسط است و حش از رشد جنبش انقلابی بوده‌ای و کمونیستی را بنحوی بارزی در خود نهفته دارد. میشل علق در مقاله‌ای با مجله آفاق عربیه - نشریه ثنوریک حزب بعث عراق - آوریل ۷۷ تا کید میکند که "ما باید آلترناتیوی در برابر کمونیسم میساختیم تا جوانان عرب بدن سمت کشیده نشوند. زیرا کمونیسم تنها آلترناتیوی بود که اندیشه‌های کهنه نمی‌توانست آن را بسوی خود جلب کند."

(۱) - درخا و رفا نه چه گذشت: ترجمه م. ح. روحانی.

با سقوط امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول، امپریالیست‌های اروپائی میراث آنرا چون گوشت فربانی بین خود تقسیم کردند. قسمت‌های جنوبی سرزمین‌های عربی یعنی مناطق خلیج فارس، عراق، اردن، فلسطین، و مصر به انگلستان و لبنان و سوریه به فرانسه رسید. مناطق دیگر عربی مثلا الجزایر تونس از قبیل در دست فرانسه بود، لیبی در اختیار ایتالیا و سودان نیز به انگلستان تعلق داشت. در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم برخی از این مناطق از مستعمره بودن به تحت الحمایگی مستقیم "ارتقاء" یافته بودند! مثلاً لیبی و سوریه بسیار عقب مانده قبیلگی که سها ده‌ای برده‌داری را نیز با خود داشت بر سر سر منطقه عربی حکم - فرما بود. در این فاصله جنبش‌های رفرمیستی و انقلابی مذهبی و غیر مذهبی و نیز سازمان‌های مارکسیستی یا نه عرصه وجود پیدا کردند (برای مثال در لبنان علی سالهای ۱۹۲۰ و در سوریه و عراق طی سالهای ۱۹۳۰ حزب کمونیست تأسیس گشت) و در محدودهای از فعالیت اجتماعی تا شرانسی باقی گذاردند.

پس از جنگ جهانی دوم، همزمان با اوکتری جنبش استقلال طلبانه ملی در سرجهان و بویژه شرق، و همراه با تلاش مجدداً امپریالیست‌ها برای ایجاد دولت صهیونیستی اسرائیل در فلسطین، جنبش ملی و آزادخواهانها عراب کسرتش وسیعی یافت. و توفان شورش و اعتصاب و قیام‌های توده‌های در سر سر منطقه وزیدن گرفت.

حزب بعث یکی از سازمان‌های سیاسی مهم و موثری است که با استفاده از جنبش شرایطی در بخش حساسی از منطقه عربی پا گرفته، کسرتش پیدا کرده و به حیات خود تا کنون ادامه داده است در او خرسالهای ۳۰ و اوائل ۱۹۴۰ دوروشنفر سوری بنا مهای میشل علق و صلاح بیطار که پس از تحصیل در فرانسه به سوریه بازگشته و به تدریس در مدارس اشتغال داشتند. محفلی نیمه

تجاوزات فاشیستی عراق به خلق‌های ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

یکی از شمرات آن است، بارها گفته شده و ما به همین اشاره بسنده میکنیم.

رژیم جمهوری اسلامی که مبنای بسیج مردم برای جنگ با عراق را "کافر بودن صدام و بعثی های عراق قرار داده است معلوم نیست چرا نه تنها به بعثت‌های سوریه حرفی نمی زدند بلکه بقول هاشمی رفسنجانی نقش "محرم اسرار" را برای ایران ایفا میکنند؟!

بعثی ها در عراق هم کارنا مهای موفق تراز سوریه ندارند و جویسا بدتر! یکبار در سال ۱۹۶۳ علیه حکومت سوروزا میلی فاسم که گرا بیتهای

تقسیم "جمهوری متحده عربی" پیشقدم گردیدند و پس از سه سال ونیم که از وحدت دو کشور سوریه و مرمیگدشت با ارتجاعی ترین افسران ارتش همدست شده طی کودتائی جدائی سوریه از ممر را اعلام کردند و سریمای قوانینی را که طی دوره وحدت تحت تا شیرسیاست نامرتا حدودی سبغ زحمکشان وضع شده بود ملغی نمودند. به این ترتیب بعثی های یکی از تجارب "وحدت" و "سوسالیسم" خود را پشت سر گذاشتند. آنها شعار دادائی شان "وحدت"، "آزادی"، "سوسالیسم" را به همین ترتیب بیاباده کرده اند. چیزی که آنها هرگز فراموش

سیاستهای استعماری جهت جلوگیری از رشد اندیشه های انقلابی و مارکسیستی ونفوذ دیرینه توهمات مذهبی، راه را برای رشد اندیشه های التقاطی و بینابینی نظیر بعثت با زکذاشت و حزب بعثت با ماهیت خرده بورژواشی و بورژواشی (عمدتا بورژواشی) خود نتوانست با استفاده از این موقعیت، تقریباً در کلیه کشورهای عربی هوادارانی برای خود بیابد و تشکیلاتی بوجود آورد.

پاکرفتن دولت اشغالگرو نژاد پرست اسرائیل در سال ۱۹۴۸ بمشابه خطری داتمی که ملت عرب را تهدید میکند، زمینه مناسبتی برای پذیرفتن اندیشه های ناسیونالیستی بعثت فراهم آورد. شرایط سیاسی دیگر منطبقه از این قرار بود:

ناسیونالیستهای ناصری توانسته بودند در ممر رژیم سلطنتی را و از کون سازند (۱۹۵۲) و در مبارزه با امپریالیسم مسلط انگلیس پیروزی - هائی بدست آوردند و بویژه در جنگ کانال - سوئز سال ۱۹۵۶ و مقابله با آنها جمعه جانیسه فرانسه، انگلیس و اسرائیل انتظارها نیسان و بویژه اعراب را بسوی خود جلب کنند. کمونیستها در سوریه، عراق و لبنان بصورت خطری جدی علیه امپریالیستها و دست نشانگان داخلی آنان در میان مدد و در شاداریکالیسم انقلابی، حیات بورژوازی را که میکوشید قدرت را با سقوط رژیمهای فئودالی بدست گیرد تیره و تار می ساخت. موج مخالفت توده های و انقلابی علیه انعقاد "پیمان بغداد" و قبول دکترین آیزنهاور منطبقه را در می نوردید. دارودسته های سیاسی وابسته به آمریکا - منجمله در لبنان - محصور شده بودند از قدرت امپریالیستها برای حفظ رژیم خود کمک بگیرند و کامیل شمعون رئیس جمهور وقت لبنان برای مقابله با موقعیت انقلابی این کشور و سرکوب جنبش دمکراتیک مردم لبنان در سال ۱۹۵۸، از آمریکا تقاضای مداخله نظامی کرد. پیمان بغداد که عراقی سلطنتی و ترکیه اعضاء اصلی اش بودند، با مشارکت آمریکا و انگلیس سوریه را تهدید به دخالت نظامی کردند و مرزهای شمالی سوریه محل تمرکز نیروهای نظامی ترکیه شد. در چنین شرایطی، حزب بعثت که در برابر موج ناصریسم تاب مقاومت نداشت، فرصت طلبانه خود را با آن هماهنگ ساخت و پیشنها دو وحدت دو کشور ممر و سوریه را مطرح کرد. در همان سال ۵۸ این وحدت عملی گردید و حزب بعثت توانست برای اولین بار طعم قدرت را بچشد و اکرم حورانی یکی از رهبران آن معاون ریاست جمهوری "متحده عربی" - که سوریه یک استان آن بود - گردید.

بعثی ها که انتظار داشتند از وحدت با ناصریسم اسباب هواری برای پیشرفت و کسب قدرت هر چه بیشتر خود بسازند، وقتی با رقابت و سرسختی ناصریسم روپوشند، وحدتی را که آنها هم از آن دم مزدند زیر پا گذاشته اند این بار در انشعاب و

- اندیشه "بعثت" سمبل یک اندیشه التقاطی است. در این اندیشه بریده هائیک از ماتریالیسم مکانیستی با اومانیزم و ناسیونالیسم افراطی (که به حد شوینسم می رسد) و تکه پاره هائی از اندیشه های سوسیالیستی خرده بورژواشی وایده آلیستی درهم آمیخته و ملغی ای ناهمگون و سبیل آفریده است.
- رژیم جمهوری اسلامی که مبنای بسیج مردم برای جنگ با عراق را "کافر بودن صدام و بعثی های عراق قرار داده است معلوم نیست چرا نه تنها به بعثت‌های سوریه حرفی نمی زدند بلکه بقول هاشمی رفسنجانی نقش "محرم اسرار" را برای ایران ایفای کند! ؟
- حزب بعثت عربی رسماً در سال ۱۹۴۷ تشکیل شد و در سال ۱۹۵۲ پس از وحدت سی که بین این حزب و حزب دیگری با همین ماهیت بنام "حزب سوسیالیست عربی" بر رهبری "اکرم حورانی" بوجود آمد بنام "حزب بعثت عربی سوسیالیستی" نامیده شد.

مترقیانهای همداست کودتا کردند (رجوع شود به سیکار ۱۷۶) و نخست وزیری عراق (و در واقع کل ندرت) را در دست گرفتند و به سرکوب فاجعه آمیز کمونیستها و توده های زحمتکش و خلق کسود بردا حسند، بکمال و نسیم بعد بدست جناح ریب خود - عبدالسلام عارف که رئیس جمهور بود و طرفدار ناصری - از کار برکنار شدند و دولی مجدداً در ۱۷ ژوئیه ۶۸ با دالیکور، صدام حسین و... قدرت را طی یک کودتا سبم کرد و سبک کون ادا مده ارد. ما در سماره گذشته به برخی از عملکردهای جناح کارانه و صد خلقی آنان اشاره کرده ایم و میتوان بدان مواجعه کرد. دو سبم حزب بعثت در سوریه و عراق یکدیگر را طرد کرده و بعنوان بعثی قبول ندارند عراقیها میشل علفی و شلی عسیمی را که سه چهارده سال پیش از سوریه طرد شده و سپس غیا با محکوم به اعدام گردیدند، بعنوان سبنا بگذاران مورد احترام قبول دارند. همچنین احزاب بعثت در هر دو کشور میکوشند در کشورهای عربی دیگر برای خود شعبه ها و هوادارانی بسازند و دولی فعالیت بعثی در تمام کشورهای عربی غیر از لبنان و تا حدودی یمن شمالی و بحرین ممنوع است. بعثی های دو کشور هنوز همان شعارهای اولیه خود را در رابطه با مبارزه با "امپریالیسم" و "وحدت عربی" و "مبارزه با صهیونیسم" و "سالمت جاودانه ملت عرب" تکرار میکنند.

حزب بعثت که در ابتدا بعثی بیژ از بدست گرفتن قدرت، منافع اقتاری از خرده بورژوازی و بورژوازی ملی را مبادی میکرد و بدلیل عقب ماندگی شرایط اجتماعی و خلا نائی از فقدان یا انفعال کمونیستها، میتوانست عناصری از زحمتکشان

نکرده اند میا رزدن سرچشم دمکراسک و صد امپریالیستی و بویژه جنبش طند کار و کرد و کمر زحمتکشان بوده و البته در این راه در کنار سبب جماعی، سیاست بان شیرینی همکارا مده است.

بعثی ها با رها کردنش و قوس برای بدست گرفتن قدرت از دست رقیبای خود کوسیدند و سرانجام در ۱۹۶۶ جمعی از افسران سعی سبمده صلاح جدید و حافظ اد کودتا کردند و رهبری سبب حزب از جمله میشل علفی را طرد کردند. افسران یک بعثی غیر نظامی سبنا دمکتر نورالدین - آتاسی را که جز جناح زاید کال حزب بود بر بنیادت جمهوری برگزیدند. حکومت اینان تا ۴ سال بیشتر دوام نیاورد و طی این مدت مواضع نسبتاً مترقیانهای جه در رابطه با سیاست اقتصادی داخلی و جه در رابطه با مساله فلسطین اتخاذ کردند، ولی حافظ اسد که رهبری جناح راست درون حزب را در سوریه بعهده داشت وقتی در کنگره حزبی در سال ۷۰ رای کافی نیاورد و سیاست منفعل اش بعنوان وزیر دفاع در قبایل سرکوب انقلاب فلسطین در اردن مورد انتقاد قرار گرفت، با یک کودتا قدرت را بدست گرفت و خود را دیکتاتور کل حزب معرفی کرد و این بار همان کنگره او را تاشید نمود!

حافظ اسد که ده سال است قدرت را در سوریه بدست دارد، هر چه بیشتر سوریه را بسبت و ابستکی به امپریالیستهای غربی کشانده و اقتصاد سوریه را که تا حد قابل توجهی بد تجارت منکی است به اقتصاد دمکراتوری تبدیل نموده است. سیاست بعثی های سوریه در قبایل مساله فلسطین و نقشی که در سرکوب جنبش انقلابی فلسطین و لبنان داشته اند و کشتارهای نظیر تل الزعتر

درچین رویزونیستی چه میگذرد؟

دریکار شما ۷۵ ساله است انقلاب
حس مخالفی درج نمود. در اینجا میگویم
دنیا له نظر لیدل سائور بحرحا سها ی
رویزونیستی خستی را بر ملا کنیم:

دست زد، اما برعکس رویزونیستیهای خدا انقلابی
با حاملین منی بیولتری بطور آشتی ناپذیر
رفنا کردند و جز این هم نمیتوانست اتفاق بیفتد
بعنوان نمونه بگوئیم چند ماه پس از یک قدرت
رسیدن رویزونیستها ۴۰ درصد از اعضای کمیته
مرکزی (۱۱) مورد لعنیه قرار گرفتند (۲) تصفیه
شدگان کمونیستها شئ بودند که از انقلاب فرهنگی
به اسبویه عضویت کمیته مرکزی ارتقا پیدا کرده
بودند.

امروز رویزونیستها، حزب دولتی را تحت
سلطه خود دارند و منی خدا انقلابی آمان در عرصه -
های مختلف در حال پیاپی شدن میباشد. آنان حزب
بیولتری را به یک حزب بورژوا - رویزونیست
و دیکتاتوری بیولتا را به دیکتاتوری
بورژوازی تبدیل نموده و پیرشتاب در راه بازگشت
سرما به داری حرکت می کنند. امروز اگر چه همه
رویزونیستیهای چینی در تحکیم مناسبات
سرما به داری توافق دارند، لیکن در عین حال
دارای یکسری تضادهای درونی نیز می باشند.
کمونیستها در میان خود وحدت دارند و راه حل
اختلافات ایدئولوژیک سیاسی میان خود را مبارزه
ایدئولوژیک میدانند. اما رویزونیستها بر
اساس دیدگاه بورژوازی و تنگ نظران خود به
باندبازی دست می زنند و علیه یکدیگر توطئه می
کنند. در حال حاضر جناح قدرتمند "تنگ" می
- کوشد تا هر چه بیشتر جناح "هوا" را به غلبه
براند و دستگاه حزبی و دولتی را تحت کنترل
همه جا نهد و مستقیم خود در پیاپی وارد البته ناگفته
نماند که از زمان تصرف قدرت توسط رویزونیست
- ها منی سلطه "منی تنگ" بوده است.

... اجلاس مجلس ملی که با شرکت ۳۰۰۰
نماینده در عیبتا میرا مسال پایان یافت نه
تنها خط منی سرما به دارانه حزب و دولتی را
تدقیق نمود، بلکه همچنین یکسری تغییرات در
مقامهای حزبی و دولتی بوجود آورد. در این
تغییرات جناح "تنگ" با زهم موقعیت خود را
تحکیم نمود. "هوا کوفنگ" از مقام نخست وزیری
کنار رفت ولی کماکان مقام دبیر کلی حزب را
حفظ نمود. "تنگ" همراه با ۶ نفر دیگر از معاونت
بغیر در صفحه ۲۱

- (۱) - اعضای کمیته مرکزی حزب ۲۰۱ نفر -
مباشند و دفتر سیاسی حزب ۲۲ عضو دارد علاوه
حزب ۲۸ میلیون عضو دارد.
- (۲) - "مسائل اقتصادی و اجتماعی" ۲۸ اکتبر
۷۷ چاپ فرانسه.

بر ما زرد است اما رویزونیست و رویزونیست
با عمارت سلطه طلبی کدر در راه سرما به داری کام
بر ما دارند. دیکتاتوری مدار زرد درون حزبی بیستار
منی آمد. سطح سیاسی ایدئولوژیک مداوم بوده
- های حزبی علیه انکال مختلف رویزونیسم
سازده ایدئولوژیک مداوم علیه نفوذ ایدئولوژی
بورژوازی و تصفیه عمارت رویزونیست و خاش به
آرمان بیولتا را، خطی است که گاه من سلامت
بیولتری حزب می باشد.

عدم رعایت این خط یکی از عواملی بود که
بنا خط وظر رویزونیستی حزب کمونیست چین
انجامد. اگر چه حزب کمونیست به رهبری رفیق
ما تو ما زرد است و وسیع علیه رویزونیستیها و
رویزونیستیهای درون حزبی به من برسد. اما
علاوه بر این ما زرد است و سنا و ردهای ایدئولوژیک
گرا است در آن، حزب در یک راستن اصول لنینی
سازده ایدئولوژیک درون حزبی دچار انحراف
نموده و راست روی در غلند. در دوران انقلاب
فرهنگی تعداد متعددی از عناصر حزبی و دولتی
به عنوان رویزونیست و خدا انقلابی معرفی شده و
طی مبارزه های آمان از مقامات بالای حزبی بائین
کننده شدند لیکن اسان همگانه کارت عضویت
حزب را از دست ندادند یکی از این عناصر تنگ -
سائونیست بود. او یکبار در ۱۹۳۲ بعنوان عمری
ایورونیست مورد انتقاد قرار گرفته و به سطح
پائین حزبی تنزل داده شد. دوباره او "سنا درج
ترقی" را طی کرد. در انقلاب فرهنگی در سال ۶۷
بعنوان "خوشح جینی" مورد انتقاد شدید قرار
گرفته. از اس به پائین کشیده شد، ولی با زهم او
به اتکا افراد همگراش خود ارتقا پیدا نمود. در
سال ۱۹۷۴ ارجانب کمیته مرکزی و شخص رفیق مائو
بعنوان یک "رویزونیست تمام عیار و عمری ضد
انقلابی" افشا گشته از کمیته مرکزی اخراج شد،
ولی کماکان او در حزب باقی ماند. پس از مرگ
رفیق مائو به دستبازی افرادی چون هوا کوفنگ
و با اتکا، به جناح راست درون حزبی ارتقا پیدا
کرده تا اینکه در ژوئیه ۱۹۷۷ تمام مقامهای مهم
حزبی و دولتی خود را با زلفت، بدین ترتیب
می بینیم که انحراف راستروانه در برخورد به
تصفیه و اخراج عناصر رویزونیست و مرتد خود
زمینه ساز ضربات مرکب را بر حزب است.

رویزونیستیهای چینی بعضی اینکه قدرت را
در قبضه در آوردند تنها هم ایدئولوژیک رویزونیستی
خود را در درون بیرون حزب گسترش داده و حاملین
منی انقلابی را مورد تصفیه و اخراج قرار دادند
خط منی مارکسیستی با رویزونیستیها به معاشات

دریک خامعوسا لنینی تضادهای طبقاتی
طبقات و مبارزه طبقاتی وجود دارند. در اسس
خامع از بعضی نظر ضحایی تضاداتی بخاندین
بیولتا را و بورژوازی است. بیولتا را که قدرت
سای را بحدک آورده میگرداند با انکال -
دیکتاتوری انقلابی خود را معدوم ساخت خامع
منی طبقاتی کمونیسم سویی دهد. حال آنکه بورژوازی
که قدرت را از دست داده میگرداند دوباره قدرت را
بندگ گرفته و کمپوزا سرما به داری یکمانند.
سرما به داری و انصبت عینی مبارزه طبقاتی
در حزب بیولتا را است که می باشد. وجود دورس
عنا میرا رویزونیست و رویزونیست در درون حزب
و ارا دشمنانها و سنا سهای رویزونیستی ارجانب
اسان بیان ادامه مبارزه بورژوازی علیه بیولتا را
میباند. اسان می گویند ارا طری حزب -
حزب، کنترل دولت را بدست گرفته و خامع در اسر
اساس منی بورژوازی خود به جلوسر است. اگر
رویزونیستیها بر حزب غلبه کنند در واقع قدرت به
دست بورژوازی افتاده است.

در اسر کوشش های مداوم بورژوازی و نمایندگان
آن بیولتا را در طی سروساختمان سوسا لنین
می باشد آگاهانه و بیگمرا مبارزه طبقاتی و
انقلاب را ادامه دهد. هرگونه کوتاهی در مبارزه
علیه بورژوازی زمینه ای است تا در ستر آن امواج
تضاد حیات بورژوازی گسترش یابد.

در دوران ساختمان سوسا لنین و
ندام انقلاب تحت دیکتاتوری بیولتا را نقش
حزب و دیکتاتوری بیولتا را تعیین کننده است
اگر حزب بیولتری نتواند مبارزه طبقه کارگر را در
عرصه ایدئولوژی، سیاست و اقتصاد سنجودرستی
هدایت کند و اگر حزب نتواند در سیرون حزب و
چه در درون حزب بورژوازی و ایدئولوژی اورا به
سنت نابودی سوق دهد، شرایط اضلال خود را
فراهم مینماید. در این ارتباط مبارزه حزب
کمونیست علیه سیاستها، گرایشها، منی بورژوازی و
حاملین ایدئولوژی بورژوازی یعنی رویزونیستها و
ایورونیستیها دارای اهمیت قاطعی میباشد. میباشد
مبارزه ایدئولوژیک فعالی را علیه سیاستها و
گرایشها رویزونیستی به پیش برد و از هرگونه
سیاست سازش ایدئولوژیک اجتناب ورزید. در
ندام این مبارزه زمانی که یک گرایش ایدئولوژیک
رویزونیستی انجنا یافته و به یک خط منی
تبدیل میگردد، با سطح نوده های حزبی میباشد
بطور قاطع به تصفیه آن پرداخت و حاملین این خط
- منی را از حزب بیولتا را شئ اخراج نمود،

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

بگذار فدایی (اکثریت) و ارتجاع درهم آمیزد و نگهبان جمهوری اسلامی گردد!

بورژوازی بکشایند. (هما نجا) بتدریج ما هیت طبقاتی رویزیونیستهای اکثریت مشخص میشود آنها می نویسند:

"...سازمان مادر تلگرام مورخ ۴ مهر ماه ۵۹ خود به آیت الله خمینی صراحتاً نوشت که در شرایط فعلی دفاع از استقلال مبین هیچ معنایی جز دفاع از جمهوری اسلامی ایران ندارد.

ما اکنون قاطعانه این نظر را صحیح و صادقانه می شناسیم و به توده ها میگوئیم که ادعای "دفاع از زمین" در برابر تحولات رژیم عراق، تنها به شرطی معنای واقعی پیدا میکند که به دفاع از جمهوری اسلامی ایران در برابر تحولات رژیم عراق و توطئه های امپریالیسم آمریکا بیا نجامد. (هما نجا تا کیداز "کار" است.)

رویزیونیستهای اکثریت اکنون آشکارا به مداحی بورژوازی نشسته اند. آنان دفاع از مین راه معنای دفاع از جمهوری اسلامی و دفاع از انقلاب را به معنی جان باختن در راه جمهوری اسلامی میدانند. آنها دستان آغشته به خون جلادان کارگران و زحمتکشان، خلق کرد،

خلق ترکمن و... را بعنوان ناجیان انقلاب می بوسند، آنها حکومت ارتجاعی ای را که بجز ستم و استثمار برای زحمتکشان و کشتار و سرکوب برای توده ها به ارمغان نیاورده است، مستابند

و از توده ها میخواهند که برای دفاع از آن خود را بکشتن دهند. رویزیونیسم اکثریت، آشکار و پنهان است، دیگر از پرده پوشی خبری نیست، نوکری

آشکار بورژوازی است، مدح و شنای عربان رژیم است که اجساد هزاران شهید مبین را سکوی پرشی برای رسیدن به قدرت کرده با تمام قوا به ساز

سازی سیستم سرما به داری و ایستاده پرداخت، بارها انقلاب را در کردستان، ترکمن صحرا، انزلی، اندیشک، ورورد، داناگاه و... بخون کشیده

است و با گلوله های آمریکا شش سیته پاکترین فرزندان خلق را در جها رگوشه مبین خونین

ددمنشا نه دریده است. هم اکنون که رویزیونیستها اینگونه جمهوری اسلامی را بزرگ میکنند، فانتوم

- های رژیم، سردشت و دیگر مناطق کردستان را بمباران میکنند، صدها انقلابی در زندانهای

رژیم بسر میبرند و انقلابیون بسیاری در خطر ترور و تیرباران قرار دارند، کارگران و زحمتکشان

با زوبان زهم در کارخانه های وابسته جان می کنند و شدت استثمار می شوند، ارتش این نهاد سرکوب

وابسته به امپریالیسم بدست رهبران مورد ستایش اکثریت با زسازی میگوید... برآستی کدام

اقدامات جمهوری اسلامی ستایش آمیز است؟

فدائیان خلق (اکثریت) اکنون به حاسومان و نوکران بورژوازی بدل شده اند. آنها وظیفه دارند راه پوی برای بیاندازند، فریبکارانندم از منافع پرولتاریا بزنند و خاک در چشم توده ها بپاشند و سپس به راحتی سود سرما به داران عمل کنند، از کار ۵۹ به بعد و بخصوص پس از جدا شدن بخش اقلیت مارکسیستی از رویزیونیستها دیگر فدائیان به یک جریان بورژوازی استحاله پیدا کرده اند. توضیح روند استحاله یک جریان انقلابی - خرده بورژوازی بیک جریان بورژوازی رویزیونیستی از جدا این مقاله خارج است. ما فقط در اینجا میگوئیم تا نشانای دهم، چگونه این شیادان بورژوازی در مورد جنگ ایران و عراق سبزه مایت طبقاتشان را آشکار می کنند.

سوسیال شوینیسیم تکامل یافته ترین شکل نوکری بورژوازی است

فدائیان (اکثریت) در مورد این جنگ چه میگویند:

"آنها این جنگ را عادلانه و نبرد میمان انقلاب و ضد انقلاب میدانند:

"جنگ عراق با ایران جنگی میان انقلاب ایران و ضد انقلاب عراق، جنگی است بین رژیم

که در راه مبارزه با وابستگی به امپریالیسم گام برمیدارد و رژیم که در مسیر وابستگی به امپریالیسم

گام نهاده است. جنگ عراق با ایران، جنگ بین رژیم

است که از اردوی بهترین دوستان خلق جدا شده

و خود را بطور کامل در برابر آن قرار میدهد، سا

رژیمی که در جریان یک انقلاب ضد امپریالیستی

و در گسترش های بعدی آن بدترین دشمنان خلق

را از پای در آورده و خود را در برابر آن قرار داده

است." (ضمیمه کار ۷۸) و نیز:

"ما همه نیروهای ترقی خواه جهان حقوق دفاع را برای تمامی ملت ها کما ملا عادلانه و

برحق می شماریم به همین دلیل وظیفه همه نیرو

- های انقلابی است که با قاطعیت با ایمن

تجاوزگری مرتجعین مقابله کنند و بطور آشکار

جانب دولتی را بگیرند که قربانی این تجاوزات

مرتجعین شده است."

پس فدائیان (اکثریت) معتقدند که این جنگ جنگی عادلانه است، جنگی میان انقلاب و ضد - انقلاب است. این جنگ ارتجاعی نیست چرا که

بقول "کار" نویسان: "جنگهای ارتجاعی همواره از جانب رژیم های ارتجاعی آغاز میشود."

فدائیان (اکثریت) "اندیشه بگانه" دارند آنها به هیچ وجه گراستهای انتقادی ندارند،

منسجم شده اند، میدانند چگونه با طبقات

کوناگون برخورد کنند، سیاستشان نسبت به

پرولتاریا، بورژوازی، هیئت حاکمه و... مشخص

است. در مورد جنگ ایران و عراق نیز آنها به

هیچ وجه دفاع طلب نیستند، آنها میدانند که

نمی توانند بدون اینکه تحلیل مشخص از مایت

حکومتی از طرفین درگیر در جنگ داشته باشند

تحت عنوان دفاع از مین جان ب حکومت کشور

خود را بگیرند." (ضمیمه کار ۷۸)

آنها مسلح به تئوری هستند تئوری ای که

بصورتی منسجم در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی

حضور دارد! و همه موده های مشخص میدهد. تئوری

آنها حاکم به منسجم طبقاتی دارد. آنها نیروی

خود را صرف دفاع از طبقه ای میکنند که به آن

تعلق دارند و چون از منافع طبقه واحدی دفاع

میکند - طبقه ای که اکنون از فرط کهنسالی،

فرتوت و محض شده است - میدانند که در مورد هر

قضیه ای چه برخورد مشخص داشته باشند تئوری آنها

بگروه بیدیدنیای مده و برای خود را بچینه و

تئوری بیدیدنیای "دار دوروز بروز نرسیده تر و"

منسجم تر و در عین حال واضح تر و کشف تر شده

است. این تئوری "واحد"، بدون "القطا" و

"منسجم" کدام است؟! این تئوری که با شروع سرما

به احتیاط روگندیده شدن بیدید آمویش از تبدیل

دوران سرما به به عصر امپریالیسم، منسجم و بیهم

فترده گشت چیست؟! این تئوری که انتی تئوری

مارکسیسم و نفوذ دشمن پرولتاریا یعنی بورژوازی

در صفوف جنبش کارگری است. بنا مش رویزیونیسم

است.

جاسوسان بورژوازی قلعه را بروی دشمن میکشایند

پس از آنکه مارکسیسم در عرصه جهانی خود را

بعنوان بگانه اندیشه را سازنده طبقه کارگر

تشبیه کرد، بورژوازی نه تنها با تیرباران و

سرکوب مارکسیستها کوشید با آن مبارزه کند،

بلکه بتدریج در با ماعت اعدا موکنجه، مارکسیسم

را نیرومندتر میسازد و برای مبارزه با آن باید

از درون رخنه کرد. بورژوازی دژ پرولتاریا را مستحکم و

نیرومند دید. توپخانه بورژوازی برای درهم

شکستن برج و باروی این دژ، پس حقیرو عاجز بود

و چنین شد که رویزیونیسم بمانا به موثرترین حربه

سرما به داران آفریده شد تا با توجه به اینکه "دژ

را از درون گرفتن از همه آسانتر است." (تاریخ

مختصر حزب بلشویک) ، به خدمت بورژوازی درآید

رویزیونیستها بعنوان مدافعین پرولتاریا

وظیفه دارند، های پوی راه بیاندازند، در درون

دژ پرولتاریا رخنه کنند و سپس شانه ها پس از

خواب کردن توده های درون قلعه، قلعه را بروی

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

گامهای سریع بسوی کارگزاری

فداشيان دورالت بعهدہ دارند، يكسى نوكرى بورواى "خودى" وديگرى حمايت از سوسال اميريا ليمروس ودرهمآ ميختن هر دوى اين وظائف درمقطع كنونى. آنها گذشته از حفظ منافع بورواى حاكم، معيار حرڪت خود را برمنافع شوروى نيزبتدرج استوارميكنند آنها مجلس شورايمللى وكابينه رجاى راشديدا فدا ميرياليسيت مى خوانند، خوششان را با خون باسداران درهمى آميزند تا بايد آنان را به سوسال اميريا ليمبكشاند. آنان عراق را تا زمانيكه بقول خودشان "با اردوگاه سوسال - يسم" رابطه داشته، انقلابى ميدانند واززمانى كه روابط عراق با شوروى كم رنگ ترشده ورازد انقلابى ميخوانند وآنجا كه عراق هنوز سلاح از شوروى ميخرد، البته هنوز رژيم ارتجاعى و فاشيست عراق را كاملا همسوا اميريا ليمم نعى دانند. "سياست حاكم بررژيم عراق هنوز در تمام زمينه هابا سياست اميريا ليمم همسو نيست" (ضميمه كار ۷۸) فداشيان هنوز به آخرين رمقهاى مقاومت جناحهاى فدا ميرياليسيتى حزب بعث اشاره ميكنند.

"مقاومت خصلت هاى فدا ميرياليسيتى در بلوك قدرت آخرين رمق هاى خود را هم از دست ميدهد. فداشيان جا روجنا لهماى دروغين ضد اميريا ليسيتى مدام حسين مانند محكوم كردن مذاكرات كمپ ديوييد و دروغهاى مبنى بر كمك به فلسطينى ها را جدى قلمدا كرده، آنرا تاخير فزايى درجهت وابستگى به اميريا ليمم ميدانند و نه تنها گذشته كشيده و ضد خلقى حاكمان بعثت عراق را به خاطر روابط با شوروى، انقلابى جا ميزنند، بلكه الان نيز اقداماتى مثبت برآى عراق تصوير ميكنند، چرا كه آنها كنگسون از ماهيت طبقاتى دولتها، حرڪت نمى كنند، از ميزان سودى كه سوسال اميريا ليمم از آن دولت - ها مى برد، حرڪت مى كنند و چنين است كه بر جنايات آن دولتها برپوش ميگذارند، مادر شما ره قبل پيكار شماى از جنايات بعثى ها را در همان زمان كه فداشيان آنها را انقلابى ميناميدند آورد بيموروشن ميشود كه فداشيهائى اكثر بخت بخاطر منافع شوروى ما هيت ضد خلقى بعث عراق را مى پوشانند، آنها مسئله جنگ را ازديدگا همزيستى مسالمت آميز و خوشچسبى - برزنى نيز مينگردند و آن زاويه آنرا تحليل مى كنند. بهر صورت تحليل آنها در مورد جنگ نشان ميدهد كه آنها اكنون كاملا رويزونيست و سوسال شونينست و نوكر - بورواى گشته و از راه تبديل شدن به كارگزار اميريا ليمروس نيز قدمهاى محكمى برداشته اند. اما آنها با پديد آمدن سرنوشتشان همان سرنوشت همه فاشيان به توده ها خواهد بود و خلق ماهرگزن نوكرى ارتجاع را بر آنها نخواهد بخشود"

فداشيان (اكثريت) هواداران را به نوكرى ارتجاع فرامى خوانند

چنين است كه سوسال شونينستهاى وقبح و بى پرده اكثر بخت توده ها را مى فرينند، رژيم جمهورى اسلامى را بزرگى مى كنند و ميخواهند توده ها را با اين نيروى سر كوبگرو ارتجاعى وحدت ببخشند. آنان از توده ها ميخواهد سا كميتت ها و سا باسداران همكارى كنند - به "تسخير بيبيوندند و حتى شايه براكتان" و در حقيقت مخالفين رژيم را (كه البته اين نظر فداشيان (اكثريت) طيف وسيعى، از طرفداران اميريا ليمم تا نيروهاى انقلابى كمونيست را در بر ميگيرد) به كميتت ها معرفى كنند. اوج و قاحت است، رژيم را كه بزرگى مى كنند، هيج، توده ها را فرامى خوانند تا در پشت سر ارتجاع قرار بگيرند! حتى اكثريت اين رژيم نيز انقلابى بود، كمونيستها ميبايست از صف مستقل طبقه كارگر حرڪت ميگردند و توده - ها را پشت سر خود بسپح ميگردند، كمونيستها در حمايت از نيروهاى انقلابى "همواره كارگران را متمايز خواهند نمود، همواره جنبه موقتى و مشروط اين همبستگى را توضيح خواهند داد، همواره مجزا بودن طبقاتى بيولتاريا را كه فردا ممكن است در حربه مخالف متفقين امروزي خود قرار بگيرد، خاطر نشان خواهند كرد." (لنينين و طرايف سوسال دموكراتهاى روس)

اكنون فداشيان كاملا به صف فدا انقلاب شتافته و با ورا ارتجاع بدل گشته اند، آنان با ورسيا باسداران، اين ارگان ارتجاعى كه در كنار ارتش ضد خلقى ستنش بخون هزاران تن از زحمتكشان ميهن آغشته است، قرار گرفته اند آنان توده هاى هوادار را به جاسوسى برآى ارگانهاى ضد خلقى فرامى خوانند. طبيعى است كمونيستها در صورت مشا هده توطئه هاى بختبار و ديگر نوكران اميريا ليمم به افشاى آن در نبرد توده ها پرداخته در سر كوب آنان شركت مى كنند. اما فداشيان هواداران را به مقابله با "وحدت شكنان" و "تفرقه افكان" يعنى نيروى هاى انقلابى را كه خواهان "تفرقه ارتجاع و انقلاب" و جلوكبرى از "وحدت - بورواى و زحمتكشان" هستند، فرامى خوانند و مى خواهند مخالفين جنگ را به عنوان رويحيه شكنان به - كميتت ها معرفى كنند، فداشيان نه تنها مى - خواهند در راه "جمهورى اسلامى، خون باسدار و فداشيان" درهم آميزد" (تلگراف به خمينى) بلكه خواهان جاسوسى هواداران را براى ارتجاع هستند براستى هر چه احتضار و كنديدگى اميريا ليمم بيشتتر ميشود، رويزونيستها نيز كشيده تر - و وقبحانه تر به نوكرى بورواى مى پردازند.

سر كوب حشمت كارگرى و دهقانى؟ به كلوله بستن تانها مرات كارگران سكارا؟ با زسازى سيستم سرمايه دارى و استهواستعمار ريش از جسد زحمتكشان سودا نحصار اميريا ليمسى؟ كشتار بيسرحما به خلق كرد، تر كمن و... ترور و ترسباران انقلابسون؟ سر كوب آزاد بسپاى دموكراتيك، آزادى اجتماعات، مطبوعات مترقى و سازمانهاى انقلابى؟ سر كردن زندانها از انقلابسون و شكستخاتان؟ تعطيل دانشگاهها و جنايات و حشانه در اول اردبيلت؟ بسج حماقتداران و اوباش بر عليه نيروهاى انقلابى؟ بقوت ارتش و به قدرت رساندن فلاحى ها و ظهير نژادها؟ منجكد مجلس؟ اخراج كارگران، معلمان، دانشمندان - موزان و كارمندان انقلابى؟ فدا انقلاب باصطلاح فرهنگى؟ قطع سود و بزه و تحميل كراسى، بيكارى و فلاكت به زحمتكشان؟ هابوى دروغين ضد - اميريا ليمسى برآى فرست مردم مدور با اصطلاح انقلاب اسلامى و حمايت از جريانات ارتجاعى چون اخوان المسلمون مرتخط با سا و عربستان سعودى و سادات و حزب الدعوة ارتجاعى (كه رويزونيستها را انقلابى خوانده اند.) و گروههاى سياسى خنثى افغانى؟ اما رويزونيستهاى فداشيان كه اكنون به يك نيروى بورواى استعاليه با فته و وظيفه مشاطه گرى بورواى حاكم را بعهدہ دارند، مى - كوشتند تا توده ها را به رژيم متوهم بگيبارند. آنان از كارگران ميخواهند تا دست به افزايش توليد بزنند و در همين شماره "كار"، كسانى را كه كارگران را به اعتماد بكنند مانند برادر بزرگشان حزب توده فدا انقلاب ميخوانند، آنها تحت عنوان اينكه خواست اميريا ليمم و "فدا انقلاب بختبارى" سرنگونى اين رژيم است، هرگونه مبارزه عليه ستم سرمايه دارى و استهواستعمار اين دارودسته ارتجاعى نسبت ميدهند. بدين ترتيب آنها خواهان عدم مبارزه طبقاتى بيولتاريا عليه بورواى و زائده كردن توده ها به - بورواى هستند. اينك اكثر بخت فداشيان به - بورواى نيم - تكميل شده يعنى سوسال شونينست رسيده اند. بقول لنين "اين جريان برآى اتحاد علنى و اكثر استبدل با بورواى، بوستادهاى ارتش به نضج خود رسيده است." (اين بورواى نيم و ورشكستگى انترناسيونال دوم) اكنون رويزونيستهاى اكثر بخت تمام خصوصياتى را كه لنين برآى سوسال شونينستها بر مى شمرد، دارا هستند: "همكارى طبقات، استنكاف از ديكتاتورى بيولتاريا، استنكاف از عمليات انقلابى شائسانى بدون قيد و شرط قواى نين بورواى، بى اعتمادى نسبت به بيولتاريا و اعتماد به بورواى" (همانجا) و خلاصه "اتحاد نوكران بورواى با بورواى بر ضد طبقه اي كه به توسط بورواى استعمار ميشود." (همانجا)

جنگ غير عادلانه كنونى جنگى است بر عليه توده هاى ايران و عراق

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

(قسمت ششم)

پیکار: آیت الله خمینی در همان سخنرانی خود (مورخه ۴ تیرماه) از کسانی سخن گفته است که به حمایت از مجاهدین خلق به او نامه نوشته و حمایت از مجاهدین را خواستار شده اند. ضمناً آیت الله گفته است که مجاهدین، آنها را "قریب" داده و اغسوا کرده بودند توضیح شما چیست؟ و به چه منظوری آن اشخاص تماس برقرار شده بود؟

رفیق تراب: مقدمتاً اشاره کنم که قبلاً از شهریور ۵۰ یعنی پیش از آنکه تعداد قابل توجهی از اعضای سازمان ما (در آن زمان مجاهدین خلق) و تقریباً اکثر اعضای رهبری آن به اسارت پلیس شاه شاهنشاهی افتند با برخی از روحانیون که بطور نسبی اندیشه مبارزاتی داشتند و برداشتهای مترقیانه‌ای را از اسلام ارائه می‌دادند تماس داشتیم و از آنها بمنظور "دست‌یابی به مقامی قرآن و نهج البلاغه" کمک می‌گرفتیم ولی با دیدگوسیم که در همان زمان ما به این نتیجه رسیده بودیم که بهیچوجه نمی‌توانیم از آنان انتظار داشته باشیم که با اصطلاح آنروز خودمان "خدوین ایدئولوژی انقلابی اسلام" را برای ما بپذیرند و بپذیرند. گرایش ما به قبول برخی از اصول مارکسیسم، نقطه افتراق ما و آنان را تشکیل میداد. موضع طبقاتی ما و گرایش ما به سمت حل تضادهای درون جامعه به نفع زحمتگان (هرچند این گرایش و سمنگیری جنبه کاملاً علمی نداشت، بلکه شدیداً به ایده آلیسم غشته بود) ما را بر آن میداشت تا آنجا پیش رویم که از مبارزه بیکسر علیه امپریالیسم و نواستعمار رخسار بگوئیم و ما تریالیسم تاریخی را در تحلیل‌هایمان مبنای قرار دهیم. البته روشن است که قبول ما تریالیسم دیالکتیک قبول ما تریالیسم تاریخی معنا ندارد.

از میان روحانیون نزدیکترین فرد به ما آیت الله طالقانی بود ولی در مورد او و نیز مثلاً نه کتاب "پرتوی از قرآن" او را می‌توانستیم مبنای کل بینش خود قرار دهیم و نه کتاب "اسلام و مالکیت" او را. بهر حال چون جای شرح و تفصیل این قضایا اینجا نیست از آن می‌گذرد و در همین حال به این نکته نیز اشاره میکنم که ما از مواضع مبارزاتی آنان هر چند بسیار اندک بود تا آنجا که در توان داشتیم در آن شرایط فحان از دست سازمان ما که مرحله جنینی و مخفی بودن خود را می‌گذراند، بر مینا مدحاً می‌توانستیم. پس از تبعید آیت الله خمینی به عراق شاه و ولین اعلامیه او پس از چند سال، اعلامیه‌ای بود در حمایت از انقلاب فلسطین و یومیه الفتح که همزمان با حج در سال ۴۷ صادر شده بود. ما این اعلامیه را ترجمه و در تعداد قابل توجهی تکثیر و پخش کردیم و این اولین کار تبلیغی ما در آن شرایط نیز محسوب میشد که تا شرفا بل توجهی بخشیدند و صدوقی برای کمک بطور مخفیانه در تهران ایجا دادند.

پس از ضربهای که در شهریور ۵۰ به سازمان وارد

آمد، سازمان تصمیم گرفت که زیسته محدود تشکیلاتی خود بیرون آید، رژیم را طی فعالیت تبلیغی وسیع افشا نماید و با تماس با برخی از مراجع و روحانیون و افراد مبارز و مبارزان مواضع عام سیاسی و اعتقادی خود، حمایت آنان را از مبارزین در بند جلب کند، و احیاناً ما نفع آن شود که رژیم خودخواه شاه انقلابیون اسیر را در زیر شکنجه با در میدان اعدا بقتل برساند و با استفاده از کمنا می‌آنها و اهدافشان هرگونه تحریفی در مورد افکار و فعالیتها می‌مارزانی آنان بعمل آورد.

البته در آخر هم تصمیم را به خود آیت الله خمینی محول نموده بود این نامه را خودم به نجف بردم. (نامه آیت الله منتظری خطاب به آیت الله خمینی را خوانندگان پیکار در خا شیهه این مصاحبه میتوانند ملاحظه کنند).

- اعلامیه‌ای نیز از آیت الله بهاء الدین - محلاتی بود که به نام چندین نفر از مجاهدین زندانی بعنوان مسلمانان پاک و مبارزین یاد کرده بود. آیت الله خمینی هیچ جواب مثبتی به آن نامه نداد.

- همچنین آیت الله قاضی در تبریز، مجاهدین

● آیت الله خمینی روزنامه‌های اطلاعات و جمهوری اسلامی و کسانی امثال هاشمی رفسنجانی دعا می‌نمودند، بهیچوجه نباید در آن سالها در یک سازمان انقلابی (مجاهدین خلق) فعالیت میکردیم به "فریبکاری" متهم گردانند. این اتهامی است بغایت نادرست. من برعکس، این حملات گسترده و ارتجاعی علیه کمونیستها و مجاهدین را فریبکاری بزرگی میدانم که با استفاده از ناآگاهی‌ها و توهمهای موجود در جامعه، به شیوه همان کسی که بجای نوشتن کلمه "مار" شکل مار را بردیوار میکشد و مردمی نادان را می‌فریبت اینان نیز به فریب مشغولند.

اعداد شده را "شهید" می‌نامید. و به سازمان کمک میکرد.

من مثالهای فراوانی دارم که همگی، بر اساس تحلیلی که در قسمت‌های قبلی مصاحبه اشاره کردم نشان میدهند که بسیاری از مخالفین امروز کمونیستها و مجاهدین، موضع گذشته‌شان را بنبغ خدا انقلاب تغییر داده اند و با بدما سک عوامفریبی را از جبهه آنان درید و حقایق را برای توده‌ها روشن کرد.

آیت الله خمینی و روزنامه‌های اطلاعات و جمهوری اسلامی و کسانی امثال هاشمی رفسنجانی دعا می‌نمودند، بهیچوجه نباید در آن سالها در یک سازمان انقلابی (مجاهدین خلق) فعالیت میکردیم به "فریبکاری" متهم کرده اند. این اتهامی است بغایت نادرست. من برعکس، این حملات گسترده و ارتجاعی علیه کمونیستها و مجاهدین را فریبکاری بزرگی میدانم که با استفاده از ناآگاهیها و توهمهای موجود در جامعه، به شیوه همان کسی که بجای نوشتن کلمه "مار" شکل مار را بردیوار میکشد و مردمی نادان را می‌فریبت اینان نیز به فریب مشغول اند.

ما پس از چندین سال کار سیاسی - تشکیلاتی مداوم و مخفی، خود را برای مبارزه‌ای سخت و انقلابی آماده میکردیم و در این راه خطرات و زحمات زیادی را تحمل نموده بودیم. ما بدرستی معتقد بودیم که در برابر بر دشمن، که عبارت از امپریالیسم و رژیم سرما به داری وابسته شاه خا شن بود با بدما بدهمه نیروهای خلقی را بسیج کنیم و از کلیه نیروهای که فکر میکردیم در این راه با ما هدف مشترکی دارند، باری بخواهیم.

در این میان خانواده‌های زندانیان و شهادهای سازمان، نقش بسیار فعالانه و افکارانه‌ای داشتند. در آن زمان سالها بیما بجه بود - در قم و تهران و شهرستانها برپا کردند که بیان آنها فرصت دیگری نخواهد.

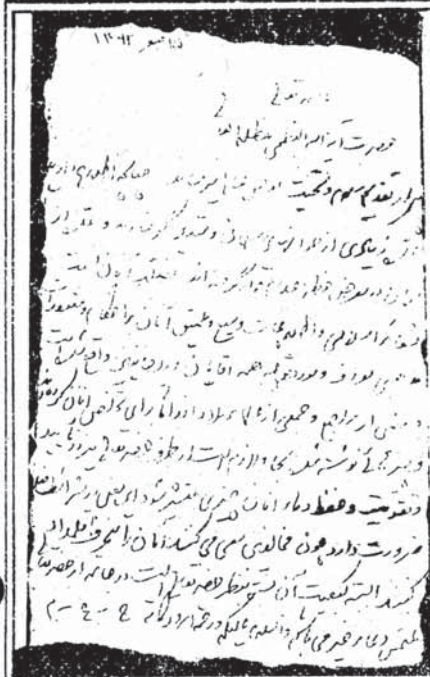
در ادامه این سیاست افشاگرانه و بسیجی توده‌ای، سازمان ما برخی از اشخاصی که در آن زمان و در چارچوب اهداف طبقاتی خود با رژیم شاه و مبارزه‌ای داشتند تماس گرفت و آنها که مستقیم و غیرمستقیم از اهداف انقلابی سازمان مطلع شده بودند منجمله اقدام به ارسال نامه‌ها می‌نمودند.

- یک نامه را مهندس عزت‌حاجی به آیت الله نوشته بود.

- نامه‌ای مفصل از هاشمی رفسنجانی بود که نسخه‌ای از آن را خودم به نجف بردم. در این نامه نویسنده نه تنها از مجاهدین خلق بلکه از فدائیان خلق (بخصوص رفیق شهید مسعود احمدزاده) بخوبی یاد کرده، حمایت آیت الله را از مبارزین خواستار شده بود. در اینجا با زهمه تغییر موضع رفسنجانی و امثال او با یاد اشاره کنم که دقیقاً بدلیل آنکه امروز قدرت را بدست گرفته و به صف بورژوازی و ضد انقلاب پیوسته اند، مواضع گذشته خود را از یاد برده و در سخنرانیهای خود به کمونیستها و مجاهدین لجن پراکنی میکنند.

- آقای مطهری هم فارسی شفاهی به آیت الله کرده بود.

- نامه‌ای مهمتر از آیت الله منتظری بود که در آن، ضمن تأیید از مجاهدین زندانی از آیت الله خواسته بود بنبغ آنان اقدام نماید و



در حاشیه مصاحبه

آیت الله حسینعلی منتظری در سال ۲۱ مطابق با ۱۳۹۲ هجری قمری نامه‌ای به آیت الله خمینی نوشت که به دلیل شرایط بلنسی کلمه «خمینی» در نامه ذکر شده و در امضا نیز به ذکر حروف اول اسم اکتفا شده است. این نامه را **رجایی** (بخش وزیر فعلی) که در آن زمان معلم مدرسه بود نوشت به محامدین سمیاتی داشت بدست آورده و جواد رفیق دوست تا حرم مؤذنان تره‌ها رتوران که در حال حاضر نیست میهمی در سیا دیبا مداران دارد به خارج برد. اشخاص اخیر ما سندسازی دیگر که در گذشته افتخار نشان این بوده که برای محامدین خدمتی انجام دهند. امروز پس از بدست گرفتن قدرت در صف بورژوازی و صد انقلاب برآوردند و کوفته اند و کینه نوزاد به کمونسنتها و مجاهدین خلق میزنند. ای یک متن نامه امی آوریم تا کنیدها و یادداشتهای داخل بر استرازمات.)

با همه تعالی
حضرت آیت الله العظمی مظهر العالی
پس از تقدیم سلام و بخت عرضی عالی

میرساند، چنانچه اطلاع دارد بدعه زیادی از جوانهای صلحان و مندین گرفتارند (حالامی - کوبند "مرگ بر ما فقیهین!" او عده ای از آنان در معرض خطرات قرار گرفته اند (از روز در مجلس شورایی آنان تقاضای اعدام میکنند) تخلی آنان نسبت به تعارضات و اطلاعات وسیع و عمیق آنان بر احکام و مفهفات مذهبی معروف و مورد توجه همه آقایان و روحانیون واقع شده است (آیامی بسند حروفهای دیروز و امروز آقایان چند را چمنفوت دارد؟! این دقیقاً انعکاس موقع طبقاتی آنان است، که در مباحثه شرح داده شده... و بعضی از مراجع و جمعی از علما بلاد انداماتی برای نخلی آنان کرده اند و چیز - هائی نوشته شده. بجای لازم است از طرف حضرت عالی بنزد دینا تقویت و حفظ و ما آسان چیزی منتشر شود. اس معنی در شرایط فعلی

علت تماس ما با آیت الله خمینی با توجه به سوا: بن غنید او با تاه، طلب باری و پیشبینی او در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا در رژیم ما بود. ما آزادی و بهروزی توده های زحمتکش و تبسیر آرزویمان تحقق آرزوهای واقعی اسلام را هدف داشتیم، در صورتیکه هدفهای مبارزاتی آن اشخاص بسیار محدود و مبهم بود. ما با طرهما ان التقاط و دوگانگی در ایدئولوژیما، در عین حال که خلاف سبب اهداف و برنامه های خودمان با اهداف آیت الله خمینی را در کم میکردیم ولی نسبت به تقاط اشتراک او با خودمان دچار توهم بودیم، ما حتی سبب از وظایف که از خانواده های زحمتکش سبب - خاسته بودند (نظیر همین آقا قاضی) و هنوز دستمان به معرفت نرسیده سر ما به داران نرسیده بود، فرقی نکند! شتمو این ناشی از با نگاه طبقاتی ما و سببک همان برداشتهای ناضی بود که در ما رکیسم لنینیسم داشتیم. در عین حال چون درک کاملی از تحلیل علمی و لبقا نسی در آن بودیم، نسبت به نیروهای نابیکسروکاسی که تعدادشان با رژیم ما امپریالیسم در سطح محدودی بود دچار توهم میشدیم که مثلا آیت الله خمینی متواند درک و موقع ما را نسبت به مسائل مبارزه موردنا شود و حمایت فرار دهد!

باری، وقتی ما به اسلام نگاه میکردیم، "جهاد" و مبارزه آتشی ناید بر سر رژیم ما می فهمیدیم و دراز راه خود را با هر کسی که در راه مبارزه با امپریالیسم بورژوازی دست نمانده ما مبارزه کند - منجمله کمونسنتها - همراه ما دستیم (رجوع شود به دعوات مجاهد شهید علی مبین دوست و معاله "درباره آنها ما با اخیر رژیم"، ۱۳۵۲)، در صورتیکه از همان اسلام که ما امپریالیسم خودمانی میکردیم، سببترین براس ما هیست طبقاتی شان درکی نگردانند. ما مبارزه افشار متوسط و یا شین خورده بورژوازی نخت ستم را تا بندگی میکردیم که هر روز تحت فشار سرمایه داری وابسته، سبب طبقه کارگر را نمانده میشد در صورتیکه آیت الله خمینی غیرمعمولاً دش با سلطنت، فخر خورده بورژوازی مرفه سنتسی را سبب بندگی میکرد و منادی حکومتی بود که سبب و بزگی "ولایت فقیه" مشخص میشد و مبعتم سبب از اینها اوبه اصل مالکیت خصوصی بر وسائل تولید کالا اعتقاد داشتند و در محدودیتی هم نمی - توانند برای آن قائل باشند. علت این که کسب - اخضا دیربان ساده "تهیه شده بوسله ما زمان (مجاهدین) سبب در بین برخی ا طرفداران ن سازمان ناراحتی و مخالفت بر میا سبب، همین مسئله تا کید آن کتاب برالفا: استمارا سبب (هرچند آن کتاب، محققا طرحی علمی برای حل مسئله استمارا را سببوا نست ارا شده و آغشته به التقاط بود).

در ادامه میبایستی که برای شما گفتیم در بیستم ماه سال ۵۰ ما تصمیم گرفتیم طی تماس هائی با آیت الله خمینی، اصول نظرات و پیش خود را

حجرت دار چون مخالفین سبی میکند آنان را منحرف بنماید تا کند (مخالفین) امروز رژیم شاه بود و اما ما آن امروزهای آنرا گرفته اند و مخالف شده اند! البته کینیت آن بسته بنظر حضرتعالی است. در خاتمه از حضرتعالی ملتس دعا، خیر میا شو! اسلام علمیکر و محمد الله و سرکاته ج - ع - م (آری، آقایان! حفظ منافع طبقاتی حیا و در برابر سستی نمی تساند، فقیهای عالمقدر و مراجع و مجتهدین عظام، دیروز چنین میگفتند و امروز فقط میگویند "ما فریب خورده بودیم!" شما با اعتبار و موقع طبقاتی آن که در شما قدرت حاکم قرار داشت، بجز خود و ایدئولوژی خود در مبارزه با رژیم شاه را در ندادت محامدین و دیگر انقلابیون می یافتید و خیره و میبوت به آنها مینگریستید ولی امروز شهدای آنان را "دزد" مینا میدو برای زنده هائنا ن خط و نشان میکند!

با ایشا ن در میان بگذاریم. آیت الله خمینی و روزنا معهای اطلاعات و جمهوری اسلامی و رادیو و کسانیکه از پشتهای اجساد شهیدان انقلاب برای خویش و طبقه شان منبر و تریبون ساخته، به فریب توده ها برداخته، انقلاب دمکراتیک و خدا مبریا لیسینی خلق را، هر چند موقتاً از پیشروی مانع گشته اند، ما را به "فریبکاری" متهم می شما بندوا سبب از میکند که گویا ما در گذشته در طرح مسائل اعتقادیمان دروغ میگفته ایم! ما درک خود از اسلام را صریحاً سبب میگردیم. ما روی پای خود ایستاده بودیم. ما مقلد کسی در امر مبارزه با امپریالیسم نبودیم. پاسبرای مبارزه کردن اجازه از کسی نمیخواستیم. این منطق مبارزه طبقاتی بود که در آن سالها هسته های انقلابی شکل میگرفت و هیچ نیازی هم به اجازه ریش سفیدان قوم نمیدید. سازمانهای

انقلابی نه با اجازه کسی بوجود آمده و سبب سبب تکذیب کسی از هم میباید. اما روزنا ما اطلاعات که سازمانهای انقلابی را فرمایشی مینماید، وقیحا نه یکروز پس از سخنرانی آیت الله خمینی، سازمان مجاهدین را وعده مینماید شدن میدهد! (بر مقاله اطلاعات ۵ تیر) باری، ما بر اساس همان پیش و سبب سبب سبب ذکر کردیم و با همان توقع محدود ما آغشته سبب توهم، در سبب ۱۳۵۰ جلساتی با آیت الله خمینی داشتیم و رفیق حسین روحانی (برادر مجاهد ما) در آن زمان نظرات سازمان را در زمینه ایدئولوژی، استراتژی مبارزه مسلحانه و تحلیل از وضع جامعه، تاریخچه انقلابات اجتماعی و خدا مبریا لیسینی و... بر تفصیل برای آیت الله بیان کرد. خود رفیق، با دقت بیشتری به این سوال شما میباید پاسخ دهد. ادا ما دارد

از اینجاست حرکت نمیکند که این جنگ
دراز ما هستی! ارتجاعی است و بنا بر این باید
پایان یابد. آنان معتقدند که رژیمهای ایران و
عراق "مترقی" و متعلق به "جهان سوم" میباشند
رویزونیستهای ساجهانی از اینجا حرکت
نمیکند که این جنگ ضد مردمی برای کارگران
وزحمتکاران دو کشور فقر، فلاکت و گرسنگی بسیار
مبارود و بنا بر این باید قطع شود. آنان هیچگاه
به منافع توده‌ها نمی‌اندیشند، آنان همیشه از
منافع بورژوازی حاکم در این کشورها حمایت
میکند. رویزونیستهای ساجهانی از اینجا
حرکت نمیکند که امکان دارد این جنگ باعث تضعیف
نفوذ امپریالیستهای اروپایی و آمریکایی در این
کشورها شده و نتیجتاً سوسیال امپریالیسم
نیروی نفوذگسترده‌تری پیدا نماید.

رویزونیستهای ضد انقلابی چین نگران
آنند که عرصه‌ها را تا امپریالیستهای غربی توسط
امپریالیسم روس تنگتر شود. بنا بر این روشن
است که بورژوازی رویزونیستهای چینی از
موضع ارتجاعی خود، با پایان این جنگ می -
باشند. آنان یکبار دیگر ضدیت خود را با انقلاب
خلقها نشان میدهند.

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ ...

رها شیبش ما رکتیسم - لنینیزم را آنچنان با
مبارزات توده‌ها درهم آمیزند که این تشویری
بقول انگلس "به‌دوش و خون توده‌ها وارد شود"

پس تبلیغ برای رخنه در توده‌های وسیع

برای وارد کردن تشویری مارکسیسم به گوشت و
خون توده‌ها از طریق شرکت فعال در مبارزات
سیاسی و اقتصادی توده‌ها، پاسخ صحیح به مسائل
مبارزه طبقاتی و بطور کلی برای رهبری این
مبارزات ضرورت هستی دارد و چنانکه بعداً
خواهیم گفت تبلیغ از دیگر وظایف عملی می -
باشی بیشتر در توده‌های وسیع رخنه کند و
آنان را بسوی مارکسیسم و راه‌های انقلابی
آن جذب نماید.

پیش از آنکه نظریات لنینیستی تبلیغ را
بتکافیم و قاتونمندی‌ها، تبلیغ را بررسی
کنیم، لازمست بیک نکته اشاره کنیم: از آنجا که
تبلیغ برای تاثیر گذاردن و جذب توده‌های
وسیع، ابزاری مهم و حیاتی است، نه تنها
کمونیستها، بلکه سرما به‌داران و اصولاً
نمایندگان سیاسی کلیه طبقات در سراسر جهان
همواره به آن توجه فراوان میدول داشته‌اند.
تعمای طبقات جامعه همواره کوشیده‌اند، پاسخ
خود را به مسائل مبارزات طبقاتی توده‌ها از
دیدگاه منافع طبقاتی خودشان بدهند و بطور
کلی ایدئولوژی طبقاتیشان را بنیان توده -
های وسیع ببرند، تا حاکمیت طبقاتیشان را ممکن سازند.
مثلاً طبقات استعمارگر در وطن تاریخی
همواره کوشیده‌اند تا تبلیغ خود، مبارزات
طبقاتی توده‌ها را به بند کشند و از درجه‌ها -
جواب منافع طبقاتیشان بکار بگیرند، و در این راه

سوداگری تسلیحاتی -
امپریالیسم فرانسه

اخیراً امپریالیسم فرانسه و رژیم سعودی یک
قرارداد نظامی امضا کردند. این قرارداد به
مبلغ ۱۴ میلیارد فرانک (معادل ۳/۴ میلیارد
دلار) می‌باشد. بر اساس این قرارداد در عربستان
چهار رکتی دوز ارتشی مجهز به موشکهای خودکار
زمین به زمین، دو کشتی نفت کش مخصوص ناوگان
نظامی به ظرفیت ۱۷ هزار تن و همچنین تعدادی
هلیکوپترهای دو قس مجرب به نام نرود موشک
فدکشتی تحویل میگردد. طبق این قرارداد
نیروی دریایی عربستان که از یک هزار نفر
تشکیل شده توسعه یافته و مجهز خواهد شد. این
قرارداد نشان دهنده اعتراف وزارت دفاع فرانسه
بر رکتیترین قراردادی است که تا به کنون فرانسه
با یک کشور خارجی منعقد شده است.

در ماه سپتامبر امپریالیسم فرانسه قراردادی
با قطر برای فروش کشتی مجهز به موشکهای زمین
به زمین با برده ۴ کیلومتر را منعقد نمود. به علاوه
مذاکراتی بین امپریالیسم فرانسه و رژیم
خائن صدام برای اسفند قراردادی جهت تجهیز
نیروی دریایی فرانسه در جریان است. به علاوه
چندی پیش که نیروی هوایی جمهوری اسلامی
قسمتی از تجهیزات ارتشی عراق را بمساران
نمود، عراق برای حراست از بقیه تجهیزات ارتشی
خود که ساخت فرانسه میباشد، موشکهای زمین به
هوای "کروبال" را فرانسه درخواست نموده است.
براستی این جنگ ارتجاعی به چه کساستی
سود می‌رساند؟



موضع چین
درباره جنگ ایران و عراق

رویزونیستهای چینی معتقدند که ایران
و عراق جنگ موجود را با پایان دهند. میسای
تحلیل آنان چیست؟ رویزونیستهای ساجهانی



امپریالیسم آمریکا
عربستان سعودی را
مسلم می‌کند

پس از سقوط رژیم سرسپرد شاه امپریالیسم
امریکا بیش از گذشته به تقویت رژیم وابسته
عربستان سعودی پرداخته است. جنگ ارتجاعی
ایران و عراق فرصت دیگری بود تا آمریکا
نوکران خود را بیشتر مسلح نماید و نفوذ امپریالیسم
لیستی خود را در منطقه تحکیم کند. همانطور که
میدانیم دولت کاترینچی پیش‌چهار هواپیمای
آواکس تحویل رژیم ارتجاعی عربستان داد. این
هواپیمایا که وظیفه اصلی شان جاسوسی در منطقه
است قادر به گردآوری اطلاعات از مسافت ۴۰۲ تا
۵۶۳ کیلومتری می‌باشند. بدینال تحویل این
هواپیمایا در یک سویت ۹۶ کارشناس نظامی
آمریکایی برای نصب و بکار انداختن دستگاه -
های رادار به عربستان رفته‌اند و در نیویورک
دیگر از جانب پنا کون چهار رصدها از متخصصین
موشکهای زمین به هوا به این کشور اعزام شده‌اند
البته تا گفته‌اند که در عربستان سعودی بین
۱۵ تا ۲۰ هزار مستشار نظامی و جاسوس آمریکایی و
دود ۲۵۰۰ مستشار فرانسوی و انگلیسی وجود دارند.
ن مستشاران امپریالیستی، آموزش و هدایت ارتش ۷۰
هزار نفری سعودی و سلاحهای مدرن آنها بر عهده دارند.
بعلاوه امپریالیسم آمریکا اخیراً تعدادی
موشکهای ضد هوایی "هاوک" را اختیار کرده‌اند
گذاشته و پیش‌چهار و جنگی در جنوب شرفی خلیج -
فارس مستقر شده است. در ضمن آمریکا رژیم
وابسته به خود را در آن رفا موش نگرده است.
دولت کاترینچی در نظر دارد یکصد تنک مدرن و مجهز
به نورا فکن‌های ویژه را به ایران بدهد و
افزایه بر این اعلام شده است که رژیم حسین جلال
میتواند سلاحهای ساخت آمریکا را به عراق بدهد
بدین ترتیب می‌بینیم که امپریالیسم
با نکی برای بسط نفوذ و غارتگریهای خود چگونه
از موقعیتی که جنگ ارتجاعی ایران و عراق
بوجود آمده استفاده میکند و میکند و میکند تا سلاحها و
ابزار جنگی خود را به رژیمهای ارتجاعی منطقه
بفرشد. این امر یکبار دیگر نشان میدهد که
چگونه این جنگ به امپریالیستها سود می‌رساند.

بسمه از صفحه ۱ باز هم...

ایام جمهوری مصادک
نابیل بعد از کاری جسدا حازه بدهید
بنا بندوما از پیش اینکار کرده ایم و شاید
حدود صد نفر دعوت شده اند. (انقلاب اسلامی
۱۹ مهر)

اکنون کارگران و زحمتکشان ما از حدود
می پرسند: چرا رژیم جمهوری اسلامی این سر-
سپردگان امپریالیسم را با ردیکره خدمت در
ارتش فرا میخواند؟ سرما به داران هردو کشور
ایران و عراق برای دفاع از منافع خاص خود
نما دستکایهای سرکوبگر خود را در جنگ کمونی
بکار گرفته اند. برای آنها از سبب رفسن هزاران
سوار زحمتکشان دو کشور کوچکتر سبب اهمیت
ندارد. آنچه که اهمیت دارد، دفاع از منافع
طبقاتی خود در مقابل سرمایه داران کشور
دیگر است در همین رابطه می توان گفت که رژیم
جمهوری اسلامی برای اصطلاح "دفاع از میهن"
با در واقع دفاع از منافع خود، از فرماندهان
مردور اخراج شده دعوت کرده است که در جنگ
سرکوب کنند و البته آنها نیز با جان و دل نیس
بدان کار داده و خواهانند. چرا که این مزدور
- ان برای هموار کردن راه نفوذ کامل امپریا
- لیسم جاره ای از خدمت کردن به سوز و آزی
ندارند. حال با توجه به موارد فوق رژیم جمهوری
اسلامی بخصوص سبب صدور خمینی از دعوب
فرماندهان مزدور ارتش شاهی به کار محدود و حد
دارند:

۱- نفی و بیارزایی کامل ارتش آریامهری:
رژیم جمهوری اسلامی بواسطه جنگ ایران و
عراق فرصت مناسبی برای بازسازی کامل
ارتش آریامهری بدست آورده است همه
اعضای و فرماندهان ارتش و نظامیان
و محسن بر سنبل انقلابی ارتش در محدوده نگاه
بهران را بسا دداریسم میداند که از جمله
خواستهای آنها اخراج و محازات افسران و
فرماندهان جنا پیکار ارتش آریامهری بود اما
رژیم جمهوری اسلامی در پاسخ به خواستهای مردم
و پرسنل انقلابی، آنها را دستگیر و زندانی کرده
و پرسنل مبارزان ارتش اخراج کرد و در مقابل
نیسانان مزدور و سرسپرده ای همچون مدنی،
فرید، علوی، طهبز نیز دوفلاحی را در دستهای
فرماندهی خودشان ابقا نمود. مردم زحمتکش
ما می پرسند این در زمان حاکمیت شاه چگونه
به مقامات "تیمساری" رسیده اند، آیا بجرا ز راه
قتل عام خلقهای زحمتکش ایران بدستور شاه
خدمت مستقیم به امپریالیسم آمریکا میتوانستند
به چنین مناصبی برسند؟ مگر همین فلاحی نبود
که در سخنرانی اش در دادگاه شکسته افسری به تاریخ
۵۸/۴/۸ گفته بود:

"ما با بدو ایستاده ایم آمریکا با شمشیر و ما بل
نظامی ما و ایستاده ایم امپریالیسم آمریکا
می باند و ما اطلاع نمی توانیم غیر منعهد
با شمشیر." (هفته نامه سرباز و انقلاب شماره ۹)

آیا چنین مزدورانی می توانستند از زحمت -
کشان و منافع آنها دفاع کنند؟ مگر همی-
"طهبز زاده" نبود که با همدستی "چمران" خاشن
خانها و ساواکیها را در کردستان بر علیه خلق
کردم صلح میکرد؟ در این رابطه منتهی که ملاحظه
میکنید قسمتی از نامه ای است که "مهدوی بهادران"
فرستاده آیت الله خمینی" به کردستان برای او
فرستاده است:

"بعضی از اذله و نواهد در دست است که در
کردستان و آذربایجان غربی یک نوطشه
مرمور در جریان است زیرا فاشود الهی
مالکینی که در رژیم گذشته عامل اجرائی
شاه در منطقه بوده اند توسط افرادی نظیر
آقای دکتر چمران، تیمسار طهبز زاده،
فرمانده لشکر ۶۴، سرهنگ شهبازیان و سایر
فرماندهان ارتشی و ژاندارمری تاسن -
دندان ملحق شده اند." (با مذا ۵۹/۷/۲۶)

اینان نورحمان آقای خمینی و منصوب
اینان هستند و از به نام محاسباتی که در قبیل
از شما بدستور رژیم سرسپرده شاه وجود داشته
بدستور جمهوری اسلامی انجام داده اند از خو-
شامسیران افسران شاهی در رژیم جمهوری
اسلامی و محبوب آیت الله خمینی می باشند.
اکنون سبب صدور ایستاده مواقت آیت الله
خمینی آید و از شما بکارگران ارتشی که
جنا با این سرهنگکس نبوده است، به خدمت
فرا خوانده اند. با در جنگ ایران و عراق شرکت
کنند. و بنقل اینان "حزب" خود را تاسن نمایند
زحمتکشان ما می پرسند که خلدان بدستور خلقهای
ایران با دستهای نامرئی آلوده بخون زحمتکشان
امروز چگونه میتوانستند که این "حزب" را کیزه
کردند. بدنام اینها، فرسی یعنی نسبت رژیم
جمهوری اسلامی تاسن تسلیمات عوام فرسایند
خود میخواهند ارتش آریامهری را برای سرکوب و
کشتار خلقها، و نیروهای انقلابی نفوست و
نسبت نمایند.

۲- کشتار بی رحمانه زحمتکشان عراقی بدست
جنا پیکاران اخراج شده از ارتش

رژیم بعثی عراق با سازمان مناسط
مسکونی، مردم بی دفاع مناطق جنوب ایران را
ببلاکت می رساند. رژیم جمهوری اسلامی نیز
بتلافی آن، از قسب القلب ترس جنا پیکاران
خدمتگزار شاه خاشن برای کشتار زحمتکشان
عراق کمک میکند. چون رژیم میداند در حالی
که جان هزاران نفر از زحمتکشان ایران در قتل
از قیام برای این مزدوران بیبیزی ارزش نداشته
جان زحمتکشان و خلقهای عراق نیز کوچکتر نیس
ارزشی در پیش ایسان نخواهد داشت. و از آنجا
که پرسنل انقلابی ارتش از تن دادن به ایسان
جنگ و ادا مکنشار خلقهای دو کشور خودداری می
- کنند پس برای کشتار هر چه وسیعتر زحمتکشان
عراق رژیم از افسران و خلبانان اخراج شده
و ایستاده امپریالیسم کمک میگیرد.
حال زحمتکشان ما می پرسند مگر این افراد

اخراج شده حتی بزم خود رژیم جمهوری اسلامی
"ساواکیها"، "فدائولایون"، "وطن فروشان"،
"خاشن به خدا و خلق" و "مفسدین فی الارض"
نبودند؟ اگر بودند چرا تا بحال اعدام نشده اند
چرا با ردیکره برای خدمت در ارتش و جنگ با عراق
و برای اصطلاح دفاع از میهن به خدمت فسران -
خوانده شده اند؟ شرکت جنا پیکاران اخراج شده
ارتش شاهنشاهی در این جنگ دلیل دیگری بر
ماهیت ارتجاعی و غیرعادلانه آن می باشد. برای
زحمتکشان ما بکار گرفتن این عناصر مزدور
توسط رژیم جمهوری اسلامی امری طبیعی است.
چرا که رژیم برای سرکوب توده ها و انقلاب سازمند
کمک این جنا پیکاران و مزدوران سرسپرده
امپریالیسم می یابد.

★ ★ ★

مثلا امپراطوران برده دار فاشودال برای
تبلیغ ایده "ترتبی الهی" خود بر سر کرده ها و
رعیتها تاسن از مناسبت خود سنا یا به ویرتکوه
جلال و سیراز مناسک مذهبی سودمی هستند. رژه -
های بر طمطراق لشکری تاسن، لباسهای طلائی
و پرزری و سرق، سخنهای روانسان که بهر دوش
سردکان حمل میسند، کاخهای عظیم و افسانه ای -
تان و معبد های حیرت انگیزی که میساختند، در
حقیقت برای رخیده در میان توده ها، برای وارد
ساختن ایده برتری آنان به رعیتها تاسن، برای
وارد کردن احساس ترس، ارعاب و احترام همراستا
به نقد من اختلاف طبقاتی خود با زحمتکشان، به
کوب و خون توده ها بود. در این راه طبقات
استعمارگر از مذهب، مناسک و عبادات مذهبی
هنر (نقاشی، مجسمه سازی، معماری، موسیقی
خطاب و...) ادبیات، رژه های نظامی و...
استفاده میگردند.

همس مسئله مهم که همه طبقات و از جمله
بورژوازی میگوید سناخ خود را به مسائل مبارزه
طبقاتی توده ها با کوب و خون آنها در هم آمیزد
ضرورت شرکت فعال در تبلیغ را برای کمونیست
- هاد مدجنان میبکند و صلا بدون شرکت فسا
در امر تبلیغ نمی توان ادعای شرکت فعال در
مبارزات طبقاتی توده ها و بستن آن ادعای
رهبری مبارزات طبقاتی آنان و تحقق آرمان
سوسالیسم را داشت.

تبلیغ از آنجا که برای جذب توده های وسیع
است می باستی مسائل توده ها را نیز کاملا در
نظر گیرد. تبلیغ برای آنکه با توده ها در هم
آمیزد، می باستی غرایب طبقاتی و احساسات
متغیر توده ها و نیازهای آنان را بشناسد و آنرا
در نظر گیرد و اینهمه را در منافع استراتژیک
توده ها با بد انجام دهد. بی آنکه بدنبال جریان
خود بخودی توده ها بیفتد و با آنان، منفرد شود.
ما قانومندی های تبلیغ، و انحرافات
روزیونیستی و آنارشیستی در تبلیغ، انشوع
تبلیغ و انحرافات مربوط به آن، مشخصات تبلیغ
و رابطه تبلیغ با ترویج و سازماندهی را بتدریج
در شماره های بعدی پیکار خواهم آورد.

ادامه دارد

منقضیان ۵۶ برای کردستان یا برای مرز؟

طبق گفته بعضی از منقضیان خدمت سال ۵۶ که برای دیدن دوره آموزشی به تهران آمده اند رژیم تمسیم دار دتا عده ای از آنان را برای جنگ در کردستان بفرستد. این تمسیم جنانکا رانه رژیم باعث شده تا یکسری از افراد منقخی فرار کنند. رژیم حاکم یکدم از سرکوب جنبش خلقهای ایران و از جمله جنبش خلق قهرمان کرد غافل نمیشود. رژیم در جنوب سرپا زان را به گوشت دم - توب تبدیل کرده و برای جان آنان هیچ ارزشی قائل نمی باشد و در کردستان به ارسال نیسرو دست میزند تا جنبش خلق کرد را سرکوب نماید.

فرمانده نیروهای "جریکی" ارتش جمهوری اسلامی کیست؟

رژیم برای مقابله با ارتش ارتجاعی عراق در غرب کشور یک نیروی جریکی ایجاد کرده است فرمانده این نیروها تیمسار ملک نام دارد. این فرمانده مزدور ارتش شاه، در سرکوب خلق قهرمان عمان مستقیماً شرکت داشته و از فرماندهانی است که همراه ارتش آمریکا بی شاه به ظفار رفته بود و بعداً زقیام نیز از طرف رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب خلق قهرمان کرد، به فرماندهی عملیات مهاباد گمارده شده بود تا از تحریکات ضد انقلابی خودسرای کشتار زحمتکشان کردستان اسفاده کند.

آبادان ۵۹/۷/۱۹

ادامه جنگ هر روز بیش از پیش فاصله رژیم جمهوری اسلامی و مردم را بیشتر میکند. با گفتگو - هائی که با کارگران و زحمتکشان دشتیسم انزجار خود را از جنگ بیان میگردند و رژیم را عامل بروز آن میدانستند. در میان زحمتکشان گروهی هستند که با طعن آکا هسی در اثر واقع ناسامان کنونی، کواشائی به وضع گذشته پیدا کرده اند که این امر وظیفه نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها را در دادن آکاهی و افشاکری بیشتر و بیشتر می کند تا زحمتکشان با بریدن از رژیم جمهوری اسلامی بسمت انقلاب کشیده شوند.

اهواز

بدنبال بروز جنگ بین دودولت ایران و عراق عده ای از نمایندگان با صلاح مردم بطرف خوزستان سرازیر شدند. آنها در بحثها و مصاحبه های تلویزیونی خود در اهواز با انواع توجیحات عوامفریبانه برای تطهیر ارتش آریا مهری و جا - دادن آن در دل مردم متوسل شدند و در همینجا موضع ضد مردمی خود را بخوبی مشخص کردند. خا منهای، این با صلاح نماینده مردم و سردمدار حزب معلوم الحال جمهوری اسلامی و نماینده امام در وزارت دفاع و ایضا امام جمعه

منتخبی از اخبار جنگ

تهران و همچنین معادیه خواه، این عنصر جلاد و قاتل، در معاصه تلویزیونی خود در اهواز می گویند: "مردم مسلمان و متعهد ما در شهر با دست خالی واللله کبیر در مقابل ارتش عسراق ایستادگی می کنند. فقط عده ای عیاش و خوش گذران شهرها را تخلیه میکنند و... همین جمله برای بیان خملت ضد مردمی اینان و همپا لکی - هایشان گویاست این مرتجعین، مردم بی دفاع را که حاضر شرکت در جنگ غیر عادلانه نیستند و به ناچار مجبور به ترک شهر شده اند، مثنی عیاش و خوشگذران مینامد. در حالیکه خود جرات نزدیک شدن به خط مقدم جبهه را ندارند، از آنها میخواهند که تن به شهادت بدهند!

اهواز ۵۹/۷/۲۰

در حالیکه مردم بر اثر سماران شهرها ناچار به ترک شهر و دیار خود میشوند، را دیوا هواز و رادیو - های خوزستان مرتب اطلاعیه ها در کرده و سه مردم خطا می کنند که هر کس شهر را ترک کند، با قوانین زمان جنگ با وی رفتار خواهد شد ادارات اطلاعیه میدهند و میگویند هر روز حضور و غیاب کار - کنان به استناداری تسلیم میشود با غا شین هما نتد زمان جنگ رفتار میشود!

دزفول ۵۹/۷/۱۶

در اثر اصابت سه موشک زمین به زمین منطقه بزرگی در کوه خرسند که ۲۰ خانواده در آن زندگی میکردند بکلی ویران شده است و بیش از ۶۰ نفر کشته شده است. این محله از فقیرنشین ترین محلات دزفول است. پسر خرد سالی که خانه عمویش ویران شده بود میگفت: "همیشه فقیر فقراد جنگ کشته میشوند. در این ناحیه تنها یک خانواده کد

زیر زمین داشتند از واقعه جان سالم بدر برده بودند. این مسئله نشان میدهد که اگر مردم ما از وسائل ایمنی برخوردار نبودند تلفات بسیار کمتری بود. اکثر مردم دزفول شهر را ترک کرده - اند و کسی در سنگرها دیده نمیشود. پاسداران دشم از مردم میخواهند که زیر لوای مساجد مسلح شوند. مردم زحمتکشی که در شهر مانده اند با کمبود مایحتاج روبرو هستند. آنان در هر بر خور دی نفرت خود را از جنگ نشان میدهند.

شیراز ۵۹/۷/۲۰

آبادانی های رانده شده از خانه شان، در ادامه جنگ حملی و ارتجاعی دست به افشا - گریهای وسیعی زده و نفرت خود را از رژیم جنگ غیر عادلانه شان میدهند. مقامات محلی با وحشت از این فعالیت افشاکران که تا شیرزادی روی مردم میگذارد دست به اقدامات گوناگون زده اند سپاه پاسداران اطلاعیه داده و آنها را "فراریان از جنگ" نامیده و گفته عده ای از آنان را دستگیر کرده اسمو "هدار" داده که "کول آنها را نخورید" که "اینها نوکران حلقه بگوش میرا لیم آمریکا هستند." استاندار ماصا حبه کرده و گفته که فقط خانسواده ارتشیان را جا میدهم و "امام جمعه" مرتجع در نماز جمعه از مردم خواسته که به "روی زبهای اس - هاتف سبنا ندازید" این نمونه های از رفتار غیر انسانی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی سبنا کسان است که با هزار مصیبت خود را از زیر سببارانهای ارتش ارتجاعی رژیم یعنی عراق نجات داده و آواره شهرها کشته اند.

منطق رژیم نیست، در شیرزیدفا عسبان سبنا نیدا گر کشته نید شهید هستند و به بهت می - روید اولی این مرتجعین که لالائی بلند معلوم نیست چرا خودشان حواسان نمی برد!



بهره برداری عوامفریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

بقیه از صفحه ۲۴ یادداشتها...

به ۳ سودبیتی صدور ترکیب فعلی در شرایط فقدان جبران ۵ به ۳ بود عرب جمهوری و در شرایط حضور ۴۰ به ۴ مساوی است) و این همان چیزی است که احتمالاً ولایت فقیه طبق گفته سنی صدر بر بنیهای دوی افزوده است. اگر چه کمپان بنی صدر عنوان رسمی فرما نده کل قوا را دارد، اما فرمان آیت الله خمینی هرگونه امکان فرماندهی واقعی را از او سلب کرده است. این مسئله را هاشمی رفسنجانی نیز در معاضه خود تصریح کرده است:

"س: آیا این درست است که آقای رئیسی جمهوریت دیگر تنها مسئول و رئیس ارتش نیست؟ ج: هاشمی رفسنجانی: "جنگ را الان باید شورای عالی دفاع اداره کند" (انقلاب اسلامی، ۲۲، مهر)

جالب اینجاست که جلوی منکک گونیهای آقای بنی صدر به حزب جمهوری نیز گرفته شده است، چرا که فرما نده کل قوا! یا سب برای نخستین بار معاضه ها و بنطها، بش از شورای عالی دفاع اجازه بگیرد (طبق فرمان آیت الله خمینی). بدست آوردن یک امتیاز (تمرکز) و درست دادن بک امتیاز دیگر (تغییر ترکیب شورا) گرفته شدن فرماندهی واقعی کل قوا از بنی صدر) را در سخنان فلاحي میتوان بخوبی دریافت. او از یکطرف با دل سردی گفت:

"من بعنوان یک عضو نظامی این شورا در گذشته وظایف خود را انجام میدادم و در آینده هم بعنوان عضو این شورا به آن وظایف ادامه میدهم."

و از طرف دیگر ضرورت تمرکز و ایجاد قدرتی برای حرف شنوی ارگانهای تابعه حزب جمهوری را ضروری میسورد:

"من حضور شورا را بر اساس این اصل که نظارت مستقیم و هماهنگی و همکاری نیرو - های مختلف مردمی در منطقه تا مبین میکنند، بسیار ضروری و مفید میدانم."

(انقلاب اسلامی، ۲۲، مهر)
فرمانده سید با سداران نیز وجود این شورا را عاملی برای تحقق وحدت کلمه (وحدت لیبیرالها و حزب جمهوری) نامید کرد.

شورای عالی دفاع در حقیقت مصالحه دیگری بین جناحهای رقیب در هیئت حاکمه بود تا هماهنگی بیشتری میان این جناحها ایجاد کند. اما بهر صورت دعوا بر سر سرکردگی و اعمال رهبری در سیاستهای هیئت حاکمه همچنان بر جای خود باقی است و ما از این پس هم گش و قوسهای با هم بیشتر را میان جناحهای رقیب شاهد خواهیم بود.

پنج نکته در سخنان بنی صدر

● نکته اول: بنی صدر، جنایتکار جنگی

آقای بنی صدر در سخنان خویش در هفته

گذشته، ما هیت بورژوازش را هر چه بیشتر آشکار ساخت و در معاضه تلفظی با تلویزیون گفت: "در صورتیکه عراق به بمباران شهرهای ایران ادامه دهد، از مردم عراق خواهیم خواست شهرها را ترک کنند تا جواب آنها را بدهیم." (کپهان ۱۹، مهر)

بدین ترتیب آقای بنی صدر اعلام کرد که مناطق مسکونی عراق را بمباران خواهد کرد. ما در اینجا نمیخواهیم این حقیقت را که تا کنون رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق مناطق مسکونی کشورهای یکدیگر را بمباران کرده اند، با رگو کنیم. فقط این اعتراف پیم صدر را افشا می کنیم.

آقای بنی صدر، بمباران مناطق مسکونی یک جنایت عظیم است که از قماش هتلر هابریما بد طبع است. اقدام جنایتکارانه بنام شما در تاریخ ثبت خواهد شد. شاید بگوئید ما از مردم خواستیم که شهرها را ترک کنند. آقای بنی صدر شهرها را مردم عراق ترک کنند چه میشود؟! واره سیاستها شوند، از سی خانمانی و گرسنگی وسی غذایی تلف شوند، از آن گذشته، وسایل زندگی خود را که نمیتوانند ببرند. بمبارانهای شهرها حتی اگر بپذیریم که مردم شهرها را ترک کرده باشند، (که عملاً چنین چیزی نیست) برای زحمتکشان عراق بقیتم سی خانمانی، آوارگی و زدندست دادن کلیه هستی زندگیشان تمام میشود. جدا دستتان درد نیکند و ریدروی بسیاری از جلادان تاریخ را سفید می کنند.

● نکته دوم: بنی صدر رژیم را رسوا میکند!

آقای بنی صدر در همان معاضه گفت: "رژیم بعث شهرهای... و سردشت در کردستان را بمباران کردند که موجب خرابیهای گسترده شد" (کپهان ۱۹، مهر)

گذشته از آنکه رژیم ایران سیر تا کنون با رها کردستان را بمباران کرده و اخیراً نیز در کنگسار رژیم بعث عراق خلق کرد را بمباران نموده و سپس بگردن فاشیستهای بعث انداخته است. کاری نداریم. فرض کنیم بمباران اخیر سردشت کار فاشیستهای بعث بوده است (در دو هفته اخیر هم جنگهای عراقی و هم فاشیستهای جمهوری اسلامی خلق کرد را بمباران کرده اند) آقای بنی صدر، شما، آیت الله خمینی، حزب جمهوری اسلامی و خلاصه همه جناحهای رژیم مگر بیوق و کرنا بر دشته بودید که پیشمرگان دلاور خلق کرد با عراقیها درارنا طند؟ پس چه شده است که؟

عراق بمباران کرده است. مگر سردشت زیر کنترل پیشمرگان دلاور کرد نیست، اگر سازمانهای انقلابی چون کومه له طبق ادعای دروغین شما با بعثیها در ارتش ط بودند، پس چرا عراق مناطق زیر کنترل این قهرمانان را زیر آتش بمبارانهای خود میگیرد؟ آقای بنی صدر، خود خویشتان را رسوا کرده است.

● نکته سوم: بنی صدر، ارتش عراق را تطهیر میکند

بنی صدر در معاضه اش (انقلاب اسلامی، ۲۵، مهر) میگوید:

"حساب ارتش عراق را هم حساب رژیم صدام حسن گاملا حدامی تمامیم."

آقای بنی صدر همانطور که حساب ارتش ضد خلقی ایران از حساب رژیم جمهوری اسلامی جدا نیست و کل رژیم جمهوری اسلامی با تفاق تمامی ارگانهایش از جمله ارتش، عاملین واقعی کشتار کارگران و زحمتکشان و خلق کرد، ترکس و... ابزارهایی برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته اند، همینطور هم حساب ارتش ضد خلقی عراق هیچوجه از حساب رژیم ارتجاعی بعث جدا نیست و مجموعه هیئت حاکمه عراق (و از جمله ارتش) عامل کشتار کارگران، زحمتکشان و... خلق کرد عراق و جناحهای ارتش است که سالهاست خلقهای عراق را استثمار کرده و کشتار میکنند. درست است که سرمایه داری ارتشهای ایران و عراق فرزندان زحمتکشان دو کشور هستند، اما ارتش سیستمی جهنمی و ضد خلقی است و همواره جماعی سرکوب طبقات استثمارگر بر علیه زحمتکشان بوده است. این ارتشها مدخلقی هستند، چرا که در جهت منافع سرمایه داران دو کشور سرکوب و کشتار میکنند، طبیعی است این ارتشها از زحمتکشان تشکیل میشوند و همانطور که همه ارتشهای جهان در تمامی جوامع طبقاتی از زحمتکشان نا آگاه تشکیل یافته اند، سیستم هدایت و کنترل ارتش تعیین کننده ما هیئت ارتش است و اینکه در خدمت کدام طبقات قرار دارد و نحوه وجود زحمتکشان نا آگاه تشکیل دهنده این ارتشها که همیشه گوشت دم توب ارتجاع هستند.

● نکته چهارم: بنی صدر ملک حسین را بخندمت در راه خلق فرامیخواند

در همان معاضه آقای بنی صدر میگوید: "اینجا (منظور ملک حسین است) تا زود است اگر از ما و از وقایع پند بگیرند و بسوی مردم خودشان برگردند و دست از نوکری ابر بردارند، برآند." (انقلاب اسلامی، ۲۵، مهر)

جنا ببنی صدر، یادمان هست که چگونه آیت الله خمینی در قیام ۴۲ و با زرگان، جبهه ملی و دیگر لیبرالها حتی در سالهای ۵۶ و ۵۷، شاهخائن را نصیحت میکردند، اما شاه مزدور بنا به ما هیت طبقاتی تبعی و وابستگی به امپریالیسم آمریکا، جناحینکار و خاشن بود و نباید آنچنان سی جز آنکه خاک در چشم نموده ها بیاید و امکان بازگشت شاه مزدور را به غلط برای توده ها تبلیغ کند و جواب لای جرح مبارزات انقلابی توده ها بگذارد تا شیری نداشت، شما

بقیه در صفحه ۲۱



ره نمودار در قبال مسئله کوچ مردم جنگ زده خوزستان

رفقا! تعدادی نامه بدستمان رسیده است که در آنها پرسیده شده است، در برابر مسئله کوچ مردم از خوزستان، رفقای هوادار چه سیاستی را باید در پیش گیرند.

رفقا! کوچ مردم زحمتکش خوزستان به شهرهای دیگر نه از روی بزدلی و زبونی، بلکه به دلیل بیزاری ویی اعتنا نشینان نسبت به این جزایر ارتجاعی است. کوچ مردم از مناطق جنگ زده خوزستان میباید که شعار ما منتهی بر محکوم نمودن جنگ ارتجاعی، براحتی در میان زحمتکشان مناطق جنگ زده، قابل تبلیغ است. و خودتوده ها نیز این جنگ را محکوم میکنند؛ این حرکت روبرو نیستیها، سوسیال شوونیستها و کلیه دفاع طلبانی که انتظار داشتند مردم در این جنگ دست به مقاومت مسلحانه بزنند.

اما وظیفه رفقا در قبال توده های کوچ کنده: ۱- رفقا باید در میان توده های کوچ کنده می کنند بیشترین تبلیغ را علیه جنگ برآوردند چرا که اینان از آماج دگمی بیشتری برخوردار هستند.

۲- رفقا باید در ارسال کمک های مادی گوناگون به توده های کوچ کنده بخصوس سکنای آنها در شهرها شای که بدینجا آمده اند، با تمام قوا بکوشند ۳- رفقا باید شعار "مسکن برای کوچ کنندگان" را در میان آنان برده و معاذره نقلایی هتل ها، کز عمومی و سکنای کوچ کنندگان را در آن ها تبلیغ نمایند.

۴- رفقا باید سخنان ضد انقلابی افرادی نظیر آیت الله دستغیب که در شیراز علیه کوچ کنندگان سخنرانی کرده و آنان را "فراری و ترسو" خطاب کرده و از مردم خواسته است که به کوچ کنندگان خانه ندهند، افشا کنند.

۵- رفقا باید در ارسال هر چه سریعتر گزارشات و اخبار رو عکس در مورد کوچ توده ها بکوشند و توضیحات خود را در مورد علل این کوچ و عکس العمل توده های شهرمان که کوچ کنندگان به آنها رفته اند بنویسند.

موفق باشید

● رفیق شیرکو

بیشترها مدت در مورد انتشار نشریه برای سربازان ارتش و فعالیت بیشتر در میان ارتش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

● نامه ای از یک مادر

نامه ای محبت آمیز در عین حال با کله و شکایت از ما در عجزی بدستمان رسیده است ضمن درج بخش هایی از نامه، جواب آنرا نیز درج می کنیم.

ای بیکار عزیز: با روزهای سختی و مشقت فراوان بچه بزرگ کرده ام. ۴-۳-۴ دختر که با زحمت فراوان بزرگ کرده ام خودتان میدانید بزرگ کردن بچه قدر سخت است. الان اینها وقتی که با بداد زدن من بگیرند به من برسند، بیایند و برودند، من بیایم و درود و خلاصه به وضع من برسند... ۳-۴-۳ چهار بار برای بزرگ کردن بچه ها زحمت و مشقت زیاد درخت بزرگ کرده ام سال است که با زحمت معلم بشود و برای من پول بیاورد که بخواهم بیکاری بکنم. اخراجش کرده اند. بیکار خان کوچک دارم. صبح میشد در درامی زنده بیکاری از اینجا دونات و آنجا و غیره می آید وقتی می پرسم با که کار دارم می گویند: (بیکار)... بیکار برو عروس دارم که بیکاری نیستند می گویند اینها کیست و آنها هم به من خرج نمی دهند می گویند بروا بیکار بگیر، نمی دانم. به صفت نفت بروم. صف گوشت بروم با نان و بچه ها بهم همشان برای بیکار کاری کنند و به من نمی رسند. شما برای کارگران - زحمتکش و مردم کاری کنید، من راه بهای یک زحمتکش بگذارید و به دردمان هم برسید...

الان تاستان است من میروم با رک و بیرون می نشینم فردا که زمستان شد من چکار کنم به حال من فکری بکنید... یک شوهر پیر و بیکیا ز دارم که چهار ده سال است که در خانه نشسته است و هر وقت بچه های بیکار می آیند و میروند میگوید اینها کی هستند و از این سئوالها و به هیچ کس هم درود نمی توانم بگویم به جز شما، در ضمن من میدانم که شما آدم های خوبی هستید و به شما اعتماد دارم من شما را از خیلی از ملامت ترجیح می دهم و این را هم میدانم که شما به هیچ کس نظری ندارید و همیشه کم می خولید و زیاد کاری کنید، ولی من به آن شوهر پیرم چه بگویم و مردم که چیزی حالیشان نیست هر حرفی داشته باشد شما گفتم باید به دردمان برسید.

ما در عجز: ضمن تشکر از نامه محبت آمیزت در پاسخ به آنچه نوشته ای چند نکته را ذکر می کنیم: اول از اینکه فرزندان شما در سگراس زمان اینچنین فعالانه مبارزه می کنند بخود افتخار می کنیم.

دوم از اینکه شما نیز با آنها در راه فعالیت های انقلابی همکاری می کنید، نیز بخود می بالیم. سوم ما در جان! همانطور که میدانسی، کمونیستها جز منافع طبقه کارگر و زحمتکشان، به چیز دیگری فکرمی کنند. بنا بر این نمیتوان

توضیح چند نکته مهم

۱- رفقا! در ارسال پاسخ به پرسشنامه بیکار ۷۳ با آنکه سه هفته از آن میگذرد بسیاری از رفقا در پاسخ دادن تاخیر کرده اند. البته مسئله جنگ ایران و عراق و وظایف سنگینی که در این ارتباط بردوش رفقا قرار دارد، باعث گردیده تا مسئله پاسخ به پرسشها تحت الشعاع قرار گیرد. ضمن اینکه این دلیل تا حدی موجه است، اما نباید مانع از آن گردد که رفقا نسبت به وظایف دیگرشان، از جمله پاسخ به پرسشها، استیغاب - خرج دهند. بار دیگر با آوری می کنیم که رفقا هر چه زودتر پرسشنامه را پاسخ دهند و برای ما ارسال دارند. در عین حال از کلیه رفقا می خواهم تا در مورد تغییرات وارد شده در بیکار از شماره ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ترکیب محتوای و شکل و زبان آن نیز نظرات خویش را ارسال دارند. بویژه نظر کارگران و زحمتکشان در این باره از اهمیت خاصی برخوردار است. چه ما در این دوره جدید فعالیت "بیکار" سعی کرده ایم در توده های ترنمودن شریه بطور همه جا سه بکوشیم. بیکار شما ره های نامیده میتوانند مملکت فضا و ت شما قرار گیرد.

۲- رفقا در ارسال اعلامیه ها، تراکت ها، نشریات محلی و فابریک برای "بیکار" بصورت فعال اقدام کنید تا ما بتوانیم گزیده ای از آن ها را در "بیکار" منعکس نمائیم.

۳- بسیاری از رفقا، اخبار و گزارشاتی را در نشریات فابریک و محلی منتشر میکنند بی آنکه آن اخبار و گزارشات را برای بیکار ارسال نمایند! رفقا فراموش نکنیم که نشریات فابریک و محلی "آلترنا" خود را بر بیکار نیستند، بلکه مکمل آنند، "بیکار" نشریه مرکزی سازمان است و نشریات فابریک و محلی باید حول مضمون این نشریه مرکزی فعالیت نمایند. وانگهی غریستان اخبار برای بیکار و مندرج کردن آن در نشریات محلی و فابریک باعث میشود بیکار نتواند نقش واقعی خود را در انعکاس و رهبری مبارزات توده ها ایفا نماید و نتیجتاً به نشریه ای روشن فکری تبدیل گردد.

ارسال سریع و منظم اخبار از کارخانجات، محلات و موسسات دیگر... باعث میگردد که "بیکار" نقش خود را در انعکاس مبارزه طبقاتی توده ها ایفا کرده، تا نیا نفوذش در میان توده ها هر چه بیشتر گسترش یابد، تا لثا به این ترتیب میتوان در برابر تفاقات و مسائل جاری به سرعت موضعگیری کرد و بلاخره اعتماد توده ها به نشریه بیشتر میگردد.

پیروز باشید

از هیچ کمونیستی انتظار داشت که از فعالیتها و انقلابی اش دست بردارد و بنا بر خود را بر منافع طبقه کارگر مقدم بداند.

چهارم: کمونیستها هرگز سربا ر دیگران نیستند

ملاحظات کوتاه

کشتن اسیران، سنت اسلامی؟

بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۲/۲۰ حرفه‌های غلغالی از اردیبهشت میشد، و میگفت: «با اسیران جنگ را میکشیم حضرت پیغمبر هم میگفت: «با بنکسده در جمهوری اسلامی اسیران را برخلاف کتبه قواستین بن المللی بکشند! مری عجیب نیست. کتبی که زندانیانی مثل رفقا دکترونوتند، سرداری، مهنا رمعمدی، رهبران خلق ترکمن، مسعود - طالعی و جمالدینی و... را بکشند متواتر! نسی اسیران جنگ راهم بکشند. کشتن اسیران از طرف ترو و بنا بلشون چون ایکنه تنگی از سبعت آنان سربستان نشان مانده است. حالا میرغیب جمهوری اسلامی آقای حلحالی از آن بعنوان "کیم را" اسلامی دفاع میکند. کسی چه میداند! از اول هم که میگفتند میخواهیم "ملک محمدی" بریا کنیم منظورشان ضمن جرها بوده است!

افسار رابه دم می زند!

فلسفی، واعظ معروف دربارنا که او را در چند ماه پیش تا حدی معرفی کردیم دوباره به دلیل زبانی افتاده و کفنه است. بازرگانان و مدیران صنایع در آغاز انقلاب محورا عمدا بها و کوشش‌ها برای برانداختن رژیم طاغوت بودند و در آن مبارزه میان حق و باطل از اینا رحمان و مال در بیج نکردند (جمهوری اسلامی ۱۴ می) انقلابی که بس از اینا تلاطم و توفان و خون و زندان، از جنس خارج محدودده سال ۵۶ شروع شد و با نیا م زحمتکشان قم و سراسر ۱۷ شهر و رستا نیام مسلحانه نبوده‌ای ۲۲ بهمن ۵۷ ادا مدیانت و به سرتکوسی رژیم‌ها، خا مید، آسیانی بکه با خون زحمتکشان جرخید و سرما به داران اهی کشن سو، استفا ده کردند و می‌کنند و حرف آقای فلسفی، حجت الاسلام مورد قبول رژیم جمهوری اسلامی جز تحریف و قبحا نه تاریخ، جز ستن افسار رسده دم الاغ نیست. خوب بود آقای فلسفی در برابر هزاران شهید از زحمتکشان فقط یکی هم از بازرگانان و مدیران صنایع سراغ میداد!

چپا و نگران "صلح و جنگ!"

امیریا لیستها که خطبات استشارا گرانده انکلی شان به منشا درجه خویش رسیده، هم از دوران با ضلح "طلح" میخوردند هم از دوران جنگ آنها که حتی عمدا جنگهای منطقه‌ای را برپا میکنند تا خودسودش را برسد، از عواقب مصیبت - باری که جنگ بین دور رژیم ددخلی عراق و ایران از جنبه‌های مختلف برای توده‌های دو

رفیق م- از هسته هواداران سازمان اسلام شهر تا مهات رسید تحلیل سیاسی مورد نظرت در نشریه تئوریک پیکار خواهد آمد.

اشعار رسیده

● رفیق خ - الف

شعری که خطاب به رفقای سازمانی و رفقا حق شناس و روحانی سروده و فرستاده بودی رسید ما ضمن ارج نهادن بر این همه صمیمت زبانی تو و کینه‌ای که نسبت به سرمایه داران و کلیسه دشمنان طبقه کارگر داری تشعیر و وظیفه خویش را یکبار دیگر مورد تاکید قرار میدهم که در راه تحقق آرمان بیرونیاربا، با همه وجود کوشا باشی و با سخگویی انتظاری باشی که رفقای حون سو "که فرزندان زحمتکش، زحمتکشی که سالها در آفتاب با لاینگاه آبا داند سوخته است هستی" از سازمان ما دارند، اینک چند سطر از شعر بلستت را ریست بخش صفحیات پیکار می کنیم:

رفیق! ندیدمت در خونم جاری کش
ز سزاگدا و ج کینه‌ات بود
و بدخون شهیدان خلق قسم خورده‌ام
کدام ندیده‌های سازمانت را
تا آخرین نفس به میان توده‌ها برم
و آنگاه که طلا در رژیم خویم را بریزد
با خونم، تا ما زمان پیکار...

را بر زمین خواهد نوشت.



از رفیق مهرداد - لک: شعر جنس، از رفیق م- زهو دار: آزادان شعر: مبارزه طبقاتی، زندگی من است، از رفیق کتا و روز - رامین شعر: "سرت و بزه"، رفیق م- ۹۲ شعر: "جنگ" و از رفیق "مرکت" شعر: "جنگ ایران و عراق" با تشکرا از رفقا، منتظر دریافت دیگر آثار هنری شما برای صفحه "هنر مقاومت هنر پروتست" هستیم.

پیروزی باشد



رفقای حوره قزوین، رفیق م- دانش - آموز، رفیق د- ج، رفیق ت- با از جبار محال - بختیاری رفیق غ - ج ۱۲، رفیق دانش، آموز از دبیرستان فدای آزادی، رفیق ناصر - م، رفیق SI، رفیق علی کابوستانی، رفقای محلات جنوب غرب، رفقای کمیته کارمندان، رفیق م- با دانشجوی هوادار و رفیق دانش آموز - از غرب، تا ما هایتان رسید، پیشنهادات و انتقاداتتان مورد توجه قرار گرفت. برخی از سئوالات شما در پاسخ به نامه‌های این شماره و شماره‌های قبل و در نوشته‌های پیکار جواب داده شده است. ضمن تشکرا همه شما رفقا در مورد برخورد انتقادی و معاللتان به پیکار، منتظر نامه‌های بعدیتان هستیم

پیروزی باشد!

انتقاد شما به رفقای فرزندان وارد است. آنها حتما با بچه‌ها در کارهای خانه، چه در کارهای زندگی، چه در تاسین در آمد و... شما را کمک کنند ما از فرزندان نشان مورا میخواستیم که به این تکه توجه داشته باشند و اگر در امور خانه شرکت ندارند حتما این وضعیت را تغییر دهند.

بیم رفقای ما که فرزندان شما هستند اگر چه نیا بدست ارفا لستهای انقلابی خود میگشند اما نیا بدست لست‌های آنها برای خانواده‌شان مزاحمت و ناراحتی بوجود میاورد. ما به عشق زحمتکشان رنده‌ام، بهمین دلیل حاضر نیستیم برای آسان مزاحمت و ناراحتی بوجود میاوریم ما در عزیزان ما مدوا ریم و ناسته با شتم در حل مشکلات کمک کنیم. منتظر نامه‌های دیگر است. با درود فراوان!

سباست آلبانی در قبال رژیم جمهوری اسلامی ایران

رفقای ریادی در مورد مواع آلبانی نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ایران اظهار تعجب نبوده‌اند و از سازمان خواسته‌اند که آلبانی را که از شرایط ایران خیردار نیست، در جریان نگذاریم. با بده! این رفقا گفت اگر چه سزاور نداریم که برخورد رفقای آلبانی نسبت به همه آلبانی صرفا نای ازی اطلعی آنها باشد اما این همه اعتقاد داریم که ما بدینا رزه ایدئولوژیک فعالی را با رفقای آلبانی در سر خورده مجموعه مسائل ایران و جهان به پیش برد، در عین حال نظر شما رفقا را در مورد ضرورت انتقال اطلاعات از شرایط ایران به آلبانی برای غمی سر نمودن آنها نسبت به وضعیت سیاسی و قدرت حاکم درست میدانم در همین رابطه رفقای هوا دار خارج از کشور در ترجمه نشریات سازمان و قرار دادن آنها در اختیار رفقای آلبانی، با بسند فعالانه ترکیب کنید.

● رفیق ج - الف کارگر

نامه‌ها رسید. در مورد خبرنا مه جنگ و اهمیت آن، نظرات نومورتنای بدست است. در مورد قیمت آن با توجه به محدودیت‌های مالی سازمان مجانی کردن آن امکان ندارد. ولی سعی می‌کنیم حداقل قیمت را بر سر ما البته همواره امکان توزیع مجانی آن نیز در موارد مشخص وجود دارد پیشنهادت در مورد درشت کردن حروف خبرنا مه و "پیکار"، جهت ساده تر شدن این نشریات برای کارگران و زحمتکشان اقدام نمودیم.

● رفیق کشاورز از ورامین

نامه‌ها در مورد شرح چگونگی استشارا رتو توسط سرما به داران و مستمگران بدستمان رسید با زهم گرا نانی از شرح حال کارورندگی است برایمان بفرست با میدروزی که هنر و نوع ستم و استشارا را نبود کنیم.

دفاع از میهن

سرما به در جنگ است
و مدافعان نقابدار استعمار
کوچه ها و خیابانها را
با زوزه های فریکارانه "دفاع از میهن"

بر کرده اند.

ستمگران
رودر رو

عرق کرده

خرابا سه میکشند

وسا زشکاران

جا کرانده آنان را با دمیزند.

برده کنندگان

زان رو که قافرا نه تر

نسمه از کرده برده ها برکشند

انبوه بردگان خودی را

به دفاع از حاکمیت بردگی میخوانند

وساران روز سبدا

غفلت را جا بزنی شمرند

نقابهای سرخ دروغین را

از چهره میدبرند

و شنا سناک

به دستگیران

نعره های "دفاع طلسمی" بر می آرند

★

آه ای واژه های مزور

ای بیرقهای سپید تسلیم

ای کلامهای عربیان سازش

اینک شما

با سرعت سرسام آور نور

از صف سرخ رنجبران

فاطمه میگنید
اینک تما چشمها خوا هندید
بردوشهای لوزان تنان
این پرچم خونین سوسا لیم نیست
که افراشته میشود

در عمق تیره مردمکها تن
این اختران سرخ سوسا لیم نیست
که سو، سوزمند

اینک شما

تربان

بدن تال ستمگران

انبوه عاصی امواج خلق را

به ساحل سرما به فرا میخواند

اینک شما

اسمان سرخ خویش را

آنگار را

به بیکار توده ها

از دست می دهید

اینک شما

این مانداب سرما به را

با هزار زالی استعمار

همچون دریای بیگران آزاد

تقدیس میکنید

اینک تما منگاها خوا هندید

این لجنزارسترون

چرا که سرسبزتان شده است

اما

ما رهروان بیکارهای بی سازش

بی چشمداشت آشتی

با دشمنان آشتی ناپذیر

سیلاب خلق را بی وقفه

بسوی سرزمین سرخ رها می

خواهیم خواند!

(سرتوک)

ملاحظات کوتاه

کشور بیا آمده و خواهد آمد. مدتها گذشته شده و مسافر
اینجا به این نکته میخوانیم. شاره کنیم که در
نتیجه این جنگ طی دوسه هفته گذشته امپریالیست
- های فرانسوی دوقتراردا د فروش تجهیزات
نظامی را با سعودی (بمبلغ ۳/۵ میلیارد دلار)
و با دولت قطر بمبلغ ۳۰۰ میلیون دلار مضاف
کرده است. هواپیماهای آواکس آمریکا هم
با زبیه سعودی داده شده است.

جنگ با اشتها می سیری ناپذیر مهمات و
سلاحها را می بلعد و امپریالیستها با سرازیر
کردن سلاح به این جا و بیل بحران درونیشان
را فرو می نهند و اقعا در حال احتفالشان را
نبرومی بخشند!

معما از بلین رژیم جمهوری اسلامی

رژیم عراق یعنی است. رژیم سوریه هم یعنی
است. اولی "مردم مسلمان" عراق را سرکوب
کرده و میکنددومی هم "مردم مسلمان" سوریه را.
اولی حزب البعث و بیکارا اسلامی عراق (کس
دوستان جمهوری اسلامی هستند) را سرکوب می -
کنددومی هم خوان المسلمین را که با از
دوستان رژیم ایران است. اولی در سبها مبر
سیاه سال ۷۰ در اردن در سرکوب انقلاب فلسطین
شرکت کرددومی هم با دخالت نظامی در لبنان
کشتارتنل الزبیر را باعث شد، اولی با شوروی
قرارداد دوستی چندساله دارد، دومی هم همینطور
اولی افتخارات هارون الرشید را میخواند
زنده کند، دومی هم افتخارات بنی امیه را.

حالا بگوئید چرا رژیم یعنی عراق "کافر" است و رژیم
یعنی سوریه - بقول هاشمی رفسنجانی - "محرمان اسرار"!

بقیه از صفحه ۱۰ در چین...

اول نخست وزیری استعفاداد، اما کماکان مقام معان
رهبر حزب را در دست خود نگاه داشت، نکته ای که مهم است
اینجاست که "زائوها" که در انقلاب فرهنگی بعنوان
روشنفرو نیست امیاشده بوده مقام نخست وزیری رسید.
"زائو" و "یهو" نیستی است که دارای خط مشترک با تنگ
مینباشد. احتمال میرود که در کنگره آینده که در پارسا میسر
بازنویه آتی خواهد بود تغییرات با زهم بیشتر در
جهت تقویت جناح تنگ صورت بگیرد.

آری امروز کان رهبری چین از پد شو لنگه و رهبران
مارکسیست لنینیست، خالی شده و جای آنها را روینو نیست
- های "پراتسین" گرفته اند. آری حزب مارکسیست
لنینیست با حزب تکنوکواتها، بهضمین و سوزوگواتهای
روینو نیست تبدیل شده است، اماویزه گیمهای خط
مشی اینان کدامند؟ "اجلیبه مجلس ملی" چه خط مشی -
ای را مورد تمویب قرار داده است؟
اما چه دارد..

آری، رژیم در فکر توده های که بر اثر این
جنگ کشتار میشوند، زحمتکشانی که بی خانمان
و آواره میشوند، زنانی که بی شوهر میشوند و
کارگرانی که بیکار میشوند، بفکر قحطی، گرانوی و
فلاکت زحمتکشان نیست، بفکر تثبیت خویش است
رژیم به این می اندیشد که چگونه از توه توده ها
استفاده کند تا بیشتر برگردد زحمتکشان سوار
شودینی صدرو آیت الله خمینی در فکر این هستند
که چگونه خود را ناجی ملت جا بزند و آنگاه
توده های بیشتری را بفریبند و خود را تحکیم
بخشند. جنگ برای زحمتکشان ما فلاکت و بدبختی
به ارمغان می آورد، اما رژیم کاسیکارانه بسیر
فلاکت و بدبختی توده ها تکیه زده و در اندیشه آن
است که چگونه از فلاکت زحمتکشان بسود خویش
استفاده کند. او کاری به زحمتکشان ندارد، در
اندیشه اینست که کلاهی از زحمتکشان انگیز جنگ
غیر عادلانه برای خویش تدارک ببیند. راستی
چه نفرت انگیز است خدا انقلاب که فلاکت زحمتکشان
را میخواند به بلکان ترقی خویش بدل سازد، اما
اگر بتواند زحمتکشان بگذارند....

یادداشتهای...

نیزاکنون به فریب خلق ستم دیده اردن برداخته
- ایدو میگویند نشان دهید که انگار راه بازگشتی
برای این سگ زنجیری امپریالیسم وجود دارد،
خیر تنها انقلاب راه حل خلق ستم دیده اردن است
و سخنان شما نیز نخواهد توانست، زحمتکشان تحت
ستم اردن را بفریبید و گامهایشان را در راه
سرتوکی رژیم ملک حسین خائنست نماید.

● نکته پنجم: بنی صدر از جنگ برای تثبیت رژیم استفاده میکند

در همان محاصره بنی مدرگفت:
"دوروز پیش که نزد ما مبودم ایشان مطلب
جالبی گفتند: ... اگر ما در این جنگ
ببروزندیم این رژیم اسلامی بقدری مستحکم
خواهد شد که هیچکس نه در داخل و نه در خارج
از کشور به این زودیها هوس توطئه نخواهد
کرد."

بقیه از صفحه ۵

اخباری...

با ساداران (در همان محل) را خراب کرده مقداری خبرنا موشناهای انقلابی سردیوارها بحسب میگذازند. بعد از اینکه پیشمرگان با آرا می عقب نشینی کردند سروکله با ساداران پیدا شد که از سرستان تمام کوههای منطقه را به رکیسار بستند.



۵۹/۷/۶ - پیشمرگان قهرمان کومه له در مسیر جاده (کا میاران سندیج) اتوبوسی را که حاکی ۴۵ سرباز بوده و به سندیج می رفته اند کشته کردند.



۵۹/۷/۷ - در این روز پیشمرگان بیکار (دسته شهید مسعود - شهید کریم) در جاده (مرسون - سندیج) در بین (بودار - نیژ تیز) در ساعت ۴ سونی را که از سندیج به طرف مریوان در حرکت بودیه رکیساری بندند در اثر این تیر - اندازی ماشین آخر ستون از گارافتنا دو متوقف میشود. سرتشنان آن در اثر این کار عملی پیشمرگان از هرگونه عکس العملی عاجز میمانند از نیروهای دشمن چند نفر کشته و زخمی میشود که از تعداد تلفات اطلاع دقیقی در دست نیست. بعد از این عمل پیشمرگان سالم به بیابانهای خود بر میگرددند.



۵۹/۷/۸ - بیش از ۲۰۰ نفر جاش و با سادار با سلاح های سنگین و خمپاره به روستای نجف آباد حمله بردند اما در اثر مقاومت پیشمرگان نتوانستند به داخل آبادی نفوذ کنند این حمله از ساعت ۱۱ تا ۱۸ ادا شد در این درگیری آسیبی به پیشمرگان نرسیده است. اما در اثر خمپاره باران کردن روستاهای (آسوله، نجف آباد، سربتاب، کوله ساره) در آسوله یک نفر شهید و ۳ نفر زخمی شدند که حال یکی از خمپاره خیم است. مردی که در نزد ساداران به زخمی شدن دخترش اعتراض کرده با ساداران بی شرمانه تیری به کف دست او و تیری دیگر به ران او زده اند.

بعد از آنما درگیری بلافاصله یکدسته از پیشمرگان سازمان بیکار به سر جاده (کا میاران - سندیج) رفته و برای مسافران این جاده به بحث و افشگری درباره ماهیت دولت ایران - عراق میپردازند. حدود ساعت ۷ یک عدد تریلر برونج استاننداری را گرفته و تریلر فوق را با ۲۴ تن برونج آن معادله میکنند. راننده و کمشک راننده بعد از اینکه برایشان بحث میشود آزاد میگردند. این عمل در روحیه مردم تا شیرافروانی داشت.

مزدوران رژیم از حمل میوه روستا ثباتان اطراف ناکا میاران به شهر ممانعت به عمل میآورد تمام میوه های فوق در معرض فاسد شدن است. روحیه مردم خوب است و این نوکران سرما به با چنین کاری میخواهند مردم را به زانو آورده تا از آنها تعلق گویند اما برعکس روز بروز روحیه رزمندگی مردم بالاتر می رود.



نقده از صفحه ۹ - اشاراتی...

شهری وحشی بخشهایی از کارگران را بسوی خود جلب کند. پس از بدست گرفتن قدرت، منافق سوروزازی شور و کرات را با اسامی نامندگی میکند. علمبرغم آنکه آنها به اقداماتی نظیر اصلاحات ارضی و دولتی کردن صنایع و بانکها و بازرگانی خارجی در هر دو کشور اقدام کرده اند و بنا بر همان سیاست جماعتی و ناسیونالیستی که ذکر کردیم تحت فشار زمان بوده ها مجبور به دادن امتیازاتی محدود به بعضی از فشار چمکنش شده اند ولی امتیازاتی که کارگران و زحمتکشان ادا کرده اند تا رزمیهای که بدو حده سنگینی را با بدسترای موسسات شور و کرات و پلیسی و ارتشی خود سپردند در سربا سمانند و توده های سرکوب شده همچنان تا تلفات دروغ و انحرافی، از مبارزه با امیرالاسم و صهیونیسم و ارتجاع داخلی باز داشته شوند. اندیشه سخت و حزب و سیاست مدخلقی آن دیگر برای توده های عرب خاندانهای نادر و از لحاظ تاریخی به سقوط خود نزدیک میشود این نویسمونیستهاست که سنان دهند آلتیانی و واقعی و انقلابی هستند. بعضی ها امروز این خطر را بسیار ریش از روز تا سیخ حیشان در کمینند. ما در مهله آینه نشان خواهیم داد که روی نویسنده های خائن سوری و عراقی ایمن همیالکی های حزب بوده، چگونه به پای بسوس این رژیمها رفته و چه مرات در دنیا کی بسه جستن کمونیستی و انقلابی این دو کشور وارد آورده اند

توضیح درباره کمکهای مالی

هموطنان مبارز، رفقا! سازمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه جا تهیه توانست است اهداف انقلابی خود را پیش برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانست بدست ما برساند.

برای اطمینان از اینکه کمکها بتان توسط سازمان دریافت شده، حتماً عددی بفرستید، یا دو رقمی و یا سه رقمی (حداکثر سه رقمی) یعنی سوان "کد" انتخاب کرده و همراه با حرفی دلخواه و نیز نام شهر خود به دریافت کننده کمک مالی بدهید. سازمان "کد" انتخابی شما را به ترتیب در ۱۰۰۰ یا ۱۰۰ و یا ۱۰۰۰ عدد در ۱۰۰۰ برای "کد" یک رقمی، ۱۰۰۰ برای دورقمی و ۱۰۰ برای سه رقمی ضرب کرده و حاصل آنرا بمیلیفی که پرداخت کرده اید اضافه نموده و همراه با حرف اول نام شما در تشریح "بیکار" چاپ میکند. به این ترتیب شما مطمئن میشوید که کمک مالیتان در اختیار سازمان قرار گرفته است.

مثلاً اگر مبلغ پرداختی ۲۵۰۰۰ ریال و "کد" ۵۸۰۰۰ و حرف اول نام انتخابی شما "T" و نام شهرتان آبادان باشد در ستون کمکهای مالی دریافت شده و در قسمت مربوط به آبادان (A) (۳۰۸۰۰) را ملاحظه خواهید کرد.

۵۸×۱۰۰= ۵۸۰۰
۲۵۰۰۰+ ۵۸۰۰= ۳۰۸۰۰

کمکهای مالی دریافت شده

هموطنان مبارز! رفقا! چون از این پس کمکهای مالی شما در هر شهر به تفکیک در بیکار چاپ میشود از اینرو لازمست که همراه "کد" و حرف انتخابی خود نام شهرتان را نیز ذکر کنید. پیروز باشید.

اصفهان	۲۰۰۰	۲۰۰۰
چ-ع	۲۰۰۰	۲۰۰۰
بروجرد	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ع-ا-ج	۲۰۰۰	۲۰۰۰
شیراز	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ر-ت	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ر-اننده تاکسی	۲۰۰۰	۲۰۰۰
تار	۱۶۰۰۰	۱۶۰۰۰
تهران	۲۴۰۰۰	۲۴۰۰۰
رفقای پارک شهر	۲۴۰۰۰	۲۴۰۰۰
رفقای دانش آموز	۸۰۰۰	۸۰۰۰
(نازی آباد)	۳۰۰۰	۳۰۰۰
ن	۳۰۰۰	۳۰۰۰
ت	۶۲۰۰	۶۲۰۰
سمنان	۱۳۱۰۰	۱۳۱۰۰
ی	۱۳۱۰۰	۱۳۱۰۰
کانادا	۱۳۱۰۰	۱۳۱۰۰
رفقای هوادار	۱۳۱۰۰	۱۳۱۰۰
مونترال	۴۵۰۰۰	۴۵۰۰۰

ت	۵۸۰۰	۴۸۰۰	۱۴۹۹۰
ب	۲۷۹۲۰	۵۲۰۰	۱۳۰۰۰
ج	۱۷۹۰۰	۵۰۰۰	۷۰۰۰
د	۱۳۰۰۰	۷۰۰۰	۲۵۰۰
ه	۲۰۰۰۰	۶۵۰۰	۸۰۰۰
و	۳۳۷۰	۶۰۰۰	۱۰۷۵۰
ز	۳۳۷۰	۱۱۳۳۰	۶۵۰۰
ح	۶۳۷۰	۶۳۰۰	۱۴۰۰۰
ط	۲۹۴۰۰	۳۱۰۰۰	۱۷۵۰۰
ث	۱۶۱۰۰	۶۰۰۰	۱۱۱۰۰
ج	۱۱۲۰۰	۶۰۰۰	۱۶۶۶۰
ح	۱۳۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۷۰۰
ط	۱۳۰۰۰	۴۳۰۰	۷۰۰۰
ث	۵۸۰۰	۶۰۰۰	۶۰۰۰
ج	۱۰۷۵۰	۱۳۱۰۰	۳۵۰۰
ح	۲۰۰۰	۷۵۶۰	۴۵۰۰
ط	۲۲۰۰۰	۶۶۰۰	۱۰۰۰۰
ث	۴۹۷۰	۶۵۰۰	۱۱۲۴۰
ج	۱۹۰۰۰	۱۱۷۰۰	۱۲۸۰۰

- (الف ۳۰۰۰۰)
- (الف و م ۹۶۰۰۰)
- (ب ۷۵۰۰)
- (ب و ت ۳۲۰۰)
- (د ن ۱۰۰۰۰)
- (س ۳۳۳۰۰ م)
- (ش ل ۷۰۰۰)
- (ع ا ۶۲۰۰)
- (ع ب ۱۰۴۰۰)
- (ع ن ۱۵۰۰)
- (ع ک ۲۴۰۰)

رفیق کاشی ۱۵۰۰۰ ریال
 - کارگر مکانیک ۱۰۰۰
 - ح-ت (کارگر) ۱۰۰۰
 - م-ب (معلم) ۵۰۰۰
 - بی نام ۵۶۰
 - رف-فانش آموز ۱۰۰۰
 - ر-س ج ۱۰۰۰
 - ر-اکبر-م ۲۰۰۰۰۰
 رفیق م، هدیه ات رسید.
 رفیق ف، مبلغ ۵۰۰۰ ریال برای احداث بیمارستان صحرائی درخوستان.



"سرگورهای کمانستان اگر سگی ست"

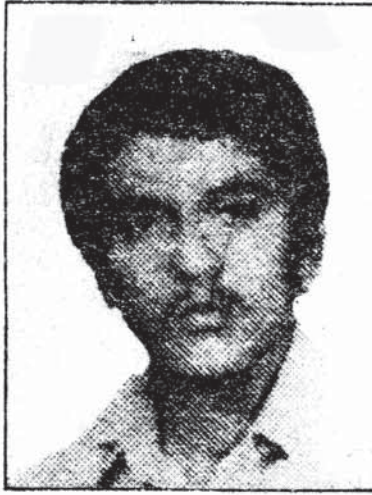
برگبرند
با جسمیای منتظر و گشوده ستان
در کوجه‌ها و خیابانهای گه‌سپارستان
تشیها رزمیده‌اند
ایستبار سیکورند که چگونه اسبوه‌ما هیان سرخ
در دریای نوده‌ها
در طلب سوما نیهای یادنا آورد
به پیش می‌تسازد
تا بنگرند، این بار

بر هر درخت برهنه
خوشنده است گلپهای سرخ جوان
سرتوک

۲۵ مهر امسال مصاف است با چهار مبین
سالگشت شهادت رفیق شهید سیمین تاج (اکرم)
جریری سربیزی و سومین سالروز اعدا هر قسبی
محمد رضا (داود) آخوندی بدست مزدوران رژیم
مزدورشان جلاد .

رفیق سیمین معلم مستمندی بود در مقام اسل
اسارت نوده‌های زحمتکش خلق فیرا در زم‌برآورد
و به صف مبارزه انقلابیون جان برکف مبین ما
پیوست . رفیق در حرکت با لنده و پیوستگی
مبارزاتی اش به حقیقت ما رگسیم - لنینیم ،
جهان بینی بیروزی بخش طبقه کارگر بدست یافته
و در بخش منشعب از سازمان محاهدین خلق تمام
نوان خود را به خدمت گرفت و راه سرخ انقلاب را
بعنوان یک مبارز انقلابی مخفی دنبال کرد .
رفیق در بخش تکنیکی سازمان فعالیت میکرد و
با استواری و پشتکار آرمورنده‌ای تمام مکانات
خود را در خدمت مبارزه سازمانش قرار میداد .
در روزها شکر رژیم مزدور بیلهوی امکانات
کمبرده‌لننی خود را با ندد هر چه بیشتر جهت
بدام انداختن انقلابیون به خدمت گرفته و
مزدورانش را برای سعید و دستگیری فرزندان
راستین خلق بسیج کرده بود در ۲۵ مهر ۱۳۵۵ رفیق
نیز در محاصره زحیمان فرا گرفت و طی یک درگیری

یادرفقای شهید سیمین جریری و محمد رضا آخوندی راگرامی میداریم



مسلحانه با برابریا رگنا رگنوله‌های مزدوران
ساواک بخون سرخ خود غلطید .

رفیق محمد رضا آخوندی در یک خانواده مذهبی
در تهران بدنیا آمد . پس از طی دوره متوسطه در
دبیرستان علوی در سال ۵۵ به دانشکده پزشکی
تبریز راه یافت . محیط پر شور دانشکده روحیه
مبارزه جویانه رفیق را قوی تر ساخت و همه
مبارزات با وجهت داد . او در جریان مسابقات
انقلابی دانشجویی در سال ۵۲ سوسله مزدوران
ساواک دستگیر شد و پس از طی دوره زندان در اواخر
سال ۵۲ در ارتباط با رفیق شهید مهدی موسوی
- قسی به "سازمان محاهدین خلق ایران" پیوست
در جریان تحول ایدئولوژیک درونی بحثی از
سازمان رفیق سیریا بدینش ما رگسیم لنینیم به
عنوان تشهارا همنای بیروزمندان برای رهائی
زحمتکشان از یوغ استعمار و استعمار فاعلیست
انقلابی اش را در بخش منشعب از س.م.خ.ا. ادامه
داد و در جارجوب متنی جریکی به مبارزه مخفی
پیوست . رفیق در بخش کارگری و تدارکات
سازمان فعالیت میکرد . در روزهای اول ماه
آبان ۱۳۵۵ رفیق در امقان در دام پلیس ساک
رژیم تها می افتد و با وجود فرار و استفاده از سلحه
بدست مزدوران سرمایه دستگیر میشود و تحت شکنجه
وحشیانه در زحیمان در تهران و اصفهان قرار میگردد .
یکی از رفقای هم‌زنجیر محمد رضا در خاطراتش
از روزهای اسارت چنین می گوید :

"موقعی که رفیق آخوندی را در تاسستان
۵۶ دیدم هنوز آثار شکنجه درکف باش بهیچود
نیافته بود . در آن زمان مسئله باز دید هیئت
ملیت سرخ از زندان مطرح بود عضدی (جلاد
ساواک) با او صحبت کرده و گفته بود "اگر با ملیت
سرخي ها دربار شکنجهات صحبت کنی پس از رفتن
آنها ترا بزرگنجه خواهم کشت چون بهر حال تو
اعدامی هستی " ولی رفیق به این تهدید توجهی
نکرده و با وجود بیکه‌ها و راه‌بانه‌های منتقل کرده
بودند ، تمام شرایط اختناق و شکنجه را با نشان
دادن آثار شکنجه در بدن خویش ، برای نمایندگان
ملیت سرخ مطلقا بیان کرده بود (این نکته را
خود "هات در بند عمومی میگفتند) . رفیق می -
خواست از تریبون دادگاه برای افشای رژیم و
ساواک و برای دفاع از اهداف انقلابی سازمان

و آلمان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان استفاده
کند . لذا تمام وقت خود را صرف تدوین دفاعیه
میکرد . رفیق دفاعیه اش را که شامل تاریخچه
نفوذ میربا لیسدمرا ایران ، تاریخچه مبارزات
خلق ، و تحلیلی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی
آن روزها و مسائل حقیقت مبارزه انقلابی
بود . روی نکه‌ها غذاهای بیخط بسیار بر زمین
آن را در یک خمیر بردن جاسازی میکرد که اگر
او را محدود و قبل از "دادگاه" به انفرادی بردند
همراه با وسائل شخصی اش حفظ کند و سپس آن را به
شکلی به "دادگاه" سپرد و آن را در اختیار غیر -
نکاران خارجی قرار دهد .

اما رژیم از "دادگاه" علنی منصرف نشد و
رفیق در "دادگاه" غیر علنی اول به اتهامات
مختلف محکوم شد و دوسا راه اعدا گرفت در "دادگاه"
دوم چون گذشته از مواضع سیاسی و انقلابی
خود سوا زمانش دفاع کرد . بار هم همان محکومیتها
تکرار شد و به سلول انفرادی منتقل گشت . و یک
ماه پس از محکومیت در رسیدادگاه دوم ، در سحرگاه ۲۵ مهر
۱۳۵۶ در مقابل جوخه اعدام مزدوران شاه شهادت رسید .

عداقت انقلابی و وفاداریت و روحیه عالی و
تزلزل ناپذیر این رفیق - که تمام هستی خویش را در
راه‌های طبقه کارگر و زحمتکشان گذارده بود -
مرا و همه رفقای زندانی را تحت تاثیر قرار داده
بود و خاطرهای دردناک همزمان زندانی و
توده‌های زحمتکش ایران زنده و جاوید خواهد
ماند . رفیق حتی پس از محکومیت به اعدا مکه در
سین ما بود ، لحظه‌ای هم گرفته و ناراحت نبود
و همیشه چهره‌ای خندان و بشاش داشت .

در سالروز شهادت رفقا سیمین تاج و محمد
- رضا با آنها و دیگر شهیدان راه‌های زحمتکشان
تجدید پیمان میکنیم : رفقا ! بخون سرخشان
سوکند که با یاد او ستوار و با ایمان را سخ به
آرمان‌های بخش طبقه کارگر ، راه گلگون شمارا که راه
سرخ انقلاب بود تا پیروزی زحمتکشان ادامه خواهیم داد .
درود بر رفقای شهید سیمین جریری و محمد رضا آخوندی !

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

شورای عالی دفاع: تلاش لیبرالها برای تمرکز، کوشش ولایت فقیه برای تقویت حزب جمهوری، و مصالحه‌های دیگر...

سی آمدنک ایران و عراق، تقویت ارتش و نسل‌سیرا لیا در هیئت حاکمه بود. بنا برحک منظم و نیز استناد به ارتش و هوای برای سماران، برنا مه ریزهای جنگی و... وضعیت سیاسی برای ارتش و لیبرالها که به ارتش تکیه داشتند، موجود آورد. لیبرالها که پیش از جنگ، عقب نشینی های چشمگیری در مقابل رقب خود، حزب جمهوری در عرصه انتخاب دولت داشتند، اکنون با تکیه به در دست داشتن فرماندهی کل قوا و همراهی فرماندهان ارتش، قدرت بیشتری یافته بودند. بنی صدر برای تحکیم وضعیت خود به ناواری رقبایش در امور جنگی تکیه میکرد (بطوریکه حتی بهشتی و رسانی را به برزنان غرغوشی نامیده بود که کسی آنکه چیزی بداند، در صدد اظهار نظرند، خاطر ارتش و رئیس جمهور، انقلاب اسلامی، به سبب ۲۲ مهر، داستان معماربانی و بیرون و دیوار کج) و ناآرامی بود که خاندانی را به تضعیف روحیه ارتش متهم میکنند و در خاطر ارتش جمهوری انقلاب اسلامی ۲۱ مهر، رقبایش را گفتار آن فرصت طلبی می- نامد که اکنون در خاشاک اند و منظر ندیده میدان بپیرند "و حاصل زحمت لیبرالها و ارتش را برساند اما یک مسئله در اعمال قدرت لیبرالها و ارتش اخلاص ایجاد میکرد و آن ها هماهنگی و حرف نشنوی ارگانهای زیر رهبری لیبرالها از آنها بود. بنی صدر در سخنانش به روحانیونسی اشاره میکرد که بدون داشتن اطلاعات نظامی، سر خود عمل کرده و به رژیم ضربه زده اند. او خواهان وحدت در فرماندهی و تمرکز قوا بود منتهی زیر رهبری لیبرالها. بنی صدر این خواست تمرکز خود را در بیانش از صدور فرمان ولایت فقیه مبنی بر تشکیل شورای عالی دفاع جنبش اعتراف میکند:

"سیاست خارجی ما و تمرکز و یکسان سازی سیاست را اهمیت دارد. سیاست تبلیغاتی ما هم بسیار اهمیت دارد و روحیه نیروهای ما هم که در آن محل می جنگند اهمیت دارد. این است که چند روز پیش که پیش ما بودم این چهار مطلب را با ایشان در میان گذاشتم و

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

قراردک که این را ما صورت یک پیش‌نویس منظم بکنیم... و ما با ملاحظ یک پیش‌نویس تهیه کردیم... که استدایان تکلیف فرمودند چیزهایی هم برایش اضافه کردیم... سیاست تبلیغاتی ما هماهنگی پیدا بکند، معلوم بشود از چه مرجعی بیروی میکند این حالتی هم که جلال است، رئیس جمهور و فرمانده کل قوا حرف میزند، دولت تصمیم نمیکرد، مجلس بمناسبت اطلاعای کند میگیرد مطلب عنوان میکند، دستاورد قضائی بهمین ترتیب، اینها باید یکجا جمع میشد که همه آنها را با یکدیگر داشته باشند، هم تمرکز باشد... (انقلاب اسلامی ۲۱ مهر) بدین ترتیب بنی صدر خواهان بوجود آوردن قدرتی بود که همه و بخصوص حزب جمهوری اسلامی و ارگانهای تابعه آن را اطاعت کنند، و فکر میکرد در شرایط مخصوص کنونی و بدلیل احتیاج همه جناحهای هیئت حاکمه به ارتش، او بتواند چنین وضعیتی را تحت رهبری فرمانده کل قوا بوجود آورد. از طرف دیگر رقبیت جازهای نداشت که این تمرکز را بیازد، منتها میخواست این تمرکز زیر رهبری لیبرالها باشد، بدین ترتیب به تمرکز را داد منتها با گرفتن فرماندهی واقعی کل قوا: از بنی صدر و سردن آن به شورای عالی دفاع که فرمان ولایت فقیه ترکیب آن بر زیر بنی صدر تغییر یافته بود اترکیب قبلی ۴ بقیه در صفحه ۱۸

دسته‌های گل بر مزار شهیدان



روز بیستم ۲۵ مهر ما به مصاف بودیم چهارمین سالروز شهادت رفیق شهید سیمین جریبی و سومین سالروز شهادت رفیق شهید محمدرضا احمدآخوندی، اعضای بخش منسب از سازمان مجاهدین خلق ایران، بدین مناسبت جمعی از رفقای سر مزار این شهیدان و مزار رفیق شهید تقی شهرام دسته‌های گل نثار کردند. همچنین بیامی از سوی سازمان به مراسم یادبود داده شد مزار رفیق سیمین جریبی برپا شده بود داده شد که در آن جمع قرائت کردند. در پایان سازمان چنین آمده بود:

"رفیق شهید سیمین جریبی بمناب به یک روشنفکر انقلابی که همه وجود خود را وقف مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست ندها شاه خائن کرد، بمناب کسی که رها نشی طبقه کارگر را آرمسان خویش قرار داد و در راه آن عاشقانه جان باخت، و بمناب زنی انقلابی و دلیر که در آن سالهای سیاه خفقان و یاس روشنفکران را به عرصه مبارزه انقلابی گذارد و نشان داد که زنان میتوانند در نبرد سرنوشت علیه امپریالیسم و دشمنان طبقاتی کارگرنشسی ماوی با مردان ایفا کنند، همیشه در قلب همزمانش، در قلب زحمتکشان ایران زنده است.

رفیق سیمین برای زمان زحمتکش و انقلابی مبین ما، یک سمبل و یک قهرمان است. او که معلم فرزندان ما در مدرسه بود با مشارکت فعالانه و فداکارانه خود در انقلاب، در صحنه نبرد خونین با دشمن نیز فرزندان ما را معلم بود...

خاطره این رفقا و همه شهدای راه آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان گرامی باد!

۵ سال زندان بخاطر فروش کتاب

چندی پیش یکی از رفقای هوادار هنگام فروش کتابهای سازمان در قزوین، در محلی که همه گروههای سیاسی کتاب میفروختند، دستگیر شد. این رفیق که در اوایل مرداد ماه توسط پاسداران سرما به دستگیر شده بود در هفته آخر شهریور ماه در قزوین محاکمه شد و با اتهامات واهی و دروغینی که به او بستند به ۵ سال زندان در زندان محکوم شد. رژیم حاکم از فروش کتابهای انقلابی و آگاه شدن توده‌های ما را در قبال انقلابیون همان راهی را در پیش گرفته که محمدرضا شاه خائن می بیند.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست